

درآمدی بر علوم قرآن

حسین تقی پور

سرشناسه	: تقی پور، حسین، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر علوم قرآن / حسین تقی پور.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۰۴-۰۰ ریال ۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۳۰] - ۲۳۸.
موضوع	: قرآن -- علوم قرآنی
شناسه افزوده	: سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۴۵۷/۶۹/۵BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۳۸۷۹۰۲



نام کتاب / درآمدی بر علوم قرآن

مؤلف / حسین تقی پور

ناشر / انتشارات تلاوت (وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم)

نوبت چاپ / سوم / ۱۳۹۲

چاپ / شریعت

لیتوگرافی / ترام اسکندر

تیراژ / ۳۰۰۰ نسخه

قیمت / ۵۰۰۰۰ ریال

شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۰۴-۰۰

آدرس: میدان امام حسین(ع)، خیابان خواجه نصیر الدین طوسی، شماره ۷۹

تلفن: ۷۷۶۲۶۵۳۱ - ۷۷۶۲۶۵۰۵ - ۲۱

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

درس اول: کلیات ۱۵

گفتار اول: قرآن ۱۷

۱- مفهوم شناسی ۱۷

الف: مفهوم لغوی قرآن ۱۷

ب: معنی اصطلاحی قرآن ۱۹

۲- اسامی قرآن ۱۹

۳- اوصاف قرآن ۲۱

۴- اجزاء قرآن ۲۳

الف: آیه ۲۳

ب: سوره ۲۵

اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده ۲۵

گفتار دوم: علوم قرآن ۲۷

۱- تعریف علوم قرآن ۲۷

۲- ضرورت شناخت و فوائد علوم قرآن ۲۹

۳- جایگاه علوم قرآن در تفسیر ۲۹

۴- مهم‌ترین کتب موجود در زمینه علوم قرآن ۳۰

درس دوم: نزول قرآن ۳۵

آغاز نزول قرآن ۳۷

حکمت نزول تدریجی قرآن ۳۹

۱- ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ ۴۰

۲- پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها ۴۱

- ۳- ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن ۴۱
- آیات و سور مکی و مدنی ۴۲
- ۱- معیار شناخت آیات مکی و مدنی ۴۳
- ۲- خصوصیات آیات و سور مکی و مدنی ۴۴

درس سوم: وحیانی بودن قرآن ۴۷

- ۱- مفهوم شناسی وحی ۴۹
- الف) وحی در لغت ۴۹
- ب) وحی در اصطلاح ۵۰
- ۲- کاربردهای وحی در قرآن ۵۰
- الف: هدایت غریزی ۵۱
- ب: اشاره پنهانی ۵۱
- ج: الهام ۵۱
- د: القای شیطانی ۵۲
- ه: وحی رسالی ۵۲
- ۳- کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ ۵۳
- الف: وحی مستقیم (الدنی) ۵۳
- ب: وحی غیر مستقیم ۵۴
- ۴- تفاوت وحی با برخی مفاهیم مرتبط ۵۵
- الف: تفاوت وحی با حدیث قدسی ۵۵
- ب: تفاوت وحی با الهام ۵۵
- ج: تفاوت وحی با کشف و شهود عرفانی ۵۶

درس چهارم: اعجاز قرآن «۱» ۵۹

- ۱- مفهوم شناسی ۶۱
- ۲- ضرورت معجزه ۶۲
- ۳- تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا ۶۳
- ۴- تحدی (مبارزه طلبی) ۶۴
- مراحل تحدی ۶۵
- ۵- معارضه با آیات تحدی ۶۷

درس پنجم: اعجاز قرآن «۲» ۷۱

- الف) ابعاد اعجاز قرآن ۷۳
- ۱- اعجاز بیانی (فصاحت و بلاغت) ۷۳

- ۲- اعجاز در نظم و آهنگ قرآن ۷۵
- ۳- اعجاز عددی ۷۶
- ۴- اعجاز علمی ۷۷
- ۵- اعجاز غیبی ۷۸
- ۶- اعجاز در معارف والای قرآن ۸۰
- ۷- اعجاز در آورنده قرآن ۸۲
- ب) امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران ۸۳
- ۱- جاودانی بودن ۸۳
- ۲- عقلانی بودن ۸۴
- ۳- گویا بودن قرآن ۸۴

درس ششم: تحریف ناپذیری قرآن ۸۷

- ۱- مفهوم تحریف ۸۹
- الف: تحریف در لغت ۸۹
- ب: تحریف در اصطلاح ۹۰
- ۲- دلایل عدم تحریف قرآن کریم ۹۲
- الف: دلیل قرآنی ۹۲
- ب: دلیل روایی ۹۳
- ج: دلیل عقلی ۹۵
- د: گواهی تاریخ ۹۶
- ه: مسأله اعجاز قرآن ۹۶
- ۳- بررسی دلائل قائلین تحریف ۹۷

درس هفتم: جامعیت قرآن ۱۰۱

- اثبات جامعیت قرآن ۱۰۳
- دسته اول: آیات جامعیت ۱۰۳
- دسته دوم: جهانی بودن قرآن ۱۰۵
- دسته سوم: جاودانگی قرآن ۱۰۷
- دیدگاه‌ها درباره جامعیت قرآن و مفهوم آن ۱۰۹

درس هشتم: جمع قرآن «۱» ۱۱۵

- ۱- مفهوم شناسی جمع ۱۱۸
- الف) مفهوم لغوی جمع ۱۱۸
- ب) مفهوم اصطلاحی جمع قرآن ۱۱۸

۱۱۸	- جمع به معنی حفظ در ذهن
۱۱۸	- جمع به معنی گرد آوری و تألیف
۱۱۹	۲- نوشت افزار وحی
۱۲۱	۳- دیدگاه ها درباره اولین جمع قرآن
۱۲۱	الف- جمع در زمان پیامبر ﷺ
۱۲۱	ب- جمع توسط حضرت علی علیه السلام
۱۲۲	ویژگیهای مصحف حضرت علی علیه السلام
۱۲۲	ج- جمع توسط ابوبکر
۱۲۳	۳- دلایل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ
۱۲۳	الف) دلایل قرآنی
۱۲۳	۱- آیات تحدی
۱۲۴	۲- اطلاق لفظ کتاب بر قرآن
۱۲۵	ب) دلایل روایی
۱۲۵	۱- روایات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ
۱۲۶	۲- حدیث ثقلین
۱۲۷	۳- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ
۱۲۷	۴- روایت ختم قرآن
۱۲۷	۵- روایات عرضه قرآن
۱۲۸	ج) دلیل عقلی
۱۲۸	۱- حکمت بالغه
۱۲۸	۲- عدم جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ مستلزم تحریف است
۱۳۳	درس نهم: جمع قرآن «۲»
۱۳۵	کیفیت جمع قرآن توسط ابوبکر
۱۳۷	توحید مصاحف در زمان عثمان
۱۳۸	نحوه یکی کردن مصاحف
۱۳۹	تعداد و ویژگیهای مصحف عثمانی
۱۴۰	اعراب و اعجام قرآن

۱۴۳	درس دهم: قرائات قرآن
۱۴۶	مفهوم قرائت
۱۴۶	عوامل به وجود آمدن اختلاف قرائات
۱۴۶	۱- عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب
۱۴۷	۲- خالی بودن از «الف» در وسط کلمات

۱۲۷	۳- تفاوت لهجه
۱۴۷	قرآء سبعه و راویان آنها
۱۴۹	ادله تواتر قرائات سبع
۱۵۱	قرائت مقبول و معتبر
۱۵۵	درس یازدهم: محکم و متشابه
۱۵۸	مفهوم شناسی محکم و متشابه
۱۵۹	علل و زمینه های تشابه
۱۶۰	الف: علل متنی قرآن
۱۶۱	ب: علل معرفتی
۱۶۱	ج: علل تاریخی
۱۶۱	د: علل روانی
۱۶۲	تاویل متشابهات
۱۶۴	نمونه های از آیات متشابه
۱۶۷	درس دوازدهم: ناسخ و منسوخ
۱۷۰	اهمیت بحث نسخ
۱۷۰	مفهوم نسخ
۱۷۱	نسخ در لغت
۱۷۱	نسخ در اصطلاح
۱۷۲	نسخ در قرآن
۱۷۳	شرایط و محدوده نسخ
۱۷۵	بررسی شبهات نسخ
۱۷۶	انواع نسخ
۱۷۷	۱- نسخ حکم و تلاوت
۱۷۷	۲- نسخ تلاوت بدون حکم
۱۷۷	۳- نسخ حکم بدون تلاوت
۱۷۹	درس سیزدهم: اسباب نزول
۱۸۲	اهمیت بحث اسباب نزول
۱۸۲	انواع آیات و سور قرآنی در رابطه با اسباب النزول
۱۸۳	۱- آیات و سوری که فاقد «اسباب النزول» خاص می باشند
۱۸۳	۲- آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند
۱۸۳	فواید اسباب نزول

- ۱- شناخت فلسفه احکام ۱۸۴
- ۲- دفع توهّم حصر ۱۸۴
- ۳- شناخت رجال و شخصیت‌های صدر اسلام ۱۸۵
- ۴- سهولت در حفظ الفاظ و فراگیری معارف و فهم قرآن ۱۸۵
- ۵- فهم دقیق تر معانی آیات ۱۸۶
- اعتبار احادیث اسباب نزول ۱۸۶
- سبب نزول خاص و حکم عام ۱۸۸

درس چهاردهم: مفردات در قرآن کریم ۱۹۱

- مفهوم علم مفردات ۱۹۳
- اهمیت و فائده علم مفردات ۱۹۳
- پیشینه پیدایش علم مفردات ۱۹۵
- نقش علم مفردات در تفسیر و فن ترجمه ۱۹۷
- فروع علم مفردات ۱۹۷
۱. غریب القرآن ۱۹۷
۲. معرب القرآن ۱۹۹
۳. لغات القرآن ۲۰۰
۴. مجاز القرآن ۲۰۱
۵. وجوه و نظائر ۲۰۲
- معرفی برخی منابع کارآمد در یافتن معنای مفردات قرآنی ۲۰۳
- الف) منابع عمومی ۲۰۴
- ۱- العین ۲۰۴
- ۲- تهذیب اللغة ۲۰۴
- ۳- معجم مقاییس اللغة ۲۰۴
- ۴- لسان العرب ۲۰۵
- ۵- قاموس المحيط ۲۰۵
- ب) منابع اختصاصی ۲۰۶
- ۱- معانی القرآن ۲۰۶
- ۲- المفردات فی غریب القرآن ۲۰۶
- ۳- مجمع البحرین و مطلع النیرین ۲۰۶
- ۴- قاموس قرآن ۲۰۷
- ۵- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۲۰۷
- بررسی چند واژه قرآنی ۲۰۸

درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن ۲۱۳

- مفهوم شناسی تفسیر ۲۱۶
- پیامبر ﷺ اولین مفسر قرآن ۲۱۶
- مراحل و تنوع تفسیر ۲۱۸
- روشهای تفسیری ۲۱۹
- ۱- تفسیر قرآن به قرآن ۲۲۰
- ۲- تفسیر روایی (تفسیر ماثور) ۲۲۲
- ۳- تفسیر عقلی (تفسیر اجتهادی) ۲۲۴
- تفسیر ترتیبی و موضوعی ۲۲۷

منابع و مأخذ ۲۳۰

مقدمه

حمد و سپاس بی‌نهایت خداوند رحمن و رحیم را که به ما هستی بخشید و بهترین و برترین خلقش را برای هدایت‌مان مبعوث گردانید و قرآنش را مایه فلاح و رستگاری قرار داد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱

با بعثت پیامبر اسلام ﷺ و انزال قرآن کریم تمامی آنچه را که انسان‌ها در امور هدایتی بدان نیاز داشتند از عالم غیب و ملکوت بر عالم ناسوت و زمینیان نازل گردیده تا بشریت با پیروی از دستورات قرآن کریم و فهم و درک معارف و حقایق والای آن به سعادت و تکامل برسند. از همین روی خداوند متعال از انسان‌ها خواسته تا در قرآن بیندیشند و در آن تفکر و تدبر نمایند و آنانی که از این مسیر سرباز زده و در قرآن تفکر نمی‌نمایند مورد توبیخ و بازخواست خدای متعال قرار گرفته‌اند ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۲

از جمله مقدماتی که علماء و اندیشمندان اسلامی برای درک و فهم آیات کلام الله مجید ضروری دانستند، آشنایی با علوم قرآن و مباحث مطروحه در آن است. بر همین اساس بسیاری از علما به طور ویژه و تخصصی به مباحث علوم قرآن پرداختند و کتب زیادی را در

۱. یونس، ۵۷.

۲. محمد، ۲۴.

این راستا تدوین و آثار ارزشمندی را از خویش بر جای نهادند. در دهه‌های اخیر نیز کتب مختلفی در حوزه علوم قرآن به طور تخصصی به نگارش در آمده است که جمعی از علاقه‌مندان در محیط‌های علمی و دانشگاهی مشغول فراگیری آن هستند. اما منابع موجود از آن جهت که به صورت تخصصی به مباحث پرداخته اند آن گونه که انتظار می‌رود برای عموم جامعه و یا قرآن‌آموزانی که قصد آشنایی اجمالی با مسائل این علم را دارند، نمی‌تواند مفید واقع شود. بنابراین برای آشنایی و درک علوم قرآن برای عموم علاقه‌مندان، ضرورت دارد مباحث علمی و پیچیده آن تا حد امکان به صورت ساده و مختصر و در عین حال متقن و گویا بیان شود.

کتاب پیش‌رو به آموزش یک دوره علوم قرآن پرداخته است اما در عین حال سعی شده از نقل اقوال گوناگون مخصوصاً در مسائل مهم و چالش بر انگیز که دیدگاه‌های مختلفی درباره آن وجود دارد، اجتناب شود. در اکثر مباحث، نظریات گوناگون جمع‌بندی و نظر واحد و نهایی مطرح و برگزیده شده است. علاوه بر اینکه اکثر مباحث به صورت اختصار بیان شده اما استدلال‌ها و ادله هر بحث به صورت کامل ذکر گردیده است.

این کتاب به صورت آموزشی در ۱۵ درس با محوریت موضوعاتی همچون وحی، نزول قرآن، اعجاز قرآن، جامعیت قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، اسباب نزول و... تألیف شده است. در ابتدای هر فصل اهداف آموزشی آن مشخص گردیده و سپس در انتهای آن، چکیده بحث و پرسش و پاسخ مطرح شده تا متعلمین به بهترین شکل ممکن به اهداف آموزشی در نظر گرفته شده دست یابند.

امید است رحمت رحیمیه حضرت حق تعالی و لطف حبیب و خاندان پاک و مطهرش شامل حالمان گردد و مجموعه پیش رو مقدمه و زمینه‌ای برای فهم بیشتر خطاب محمدی قرار گیرد تا ما نیز جزء غواصان دریای بیکران معارف قرآن باشیم.

درس اول:

کلیات

اهداف آموزشی درس ۱

- آشنایی با واژه قرآن در لغت و اصطلاح
- شناخت اسامی و اوصاف و اجزاء قرآن
- تعریف علوم قرآن و فواید آن
- آشنایی با منابع علوم قرآن

گفتار اول: قرآن

۱- مفهوم شناسی

الف: مفهوم لغوی قرآن

درباره اشتقاق و تلفظ و مفهوم لغوی قرآن در بین صاحب نظران آراء و افکار گوناگونی وجود دارد:

۱- «قرآن» اسمی جامد و غیر مشتق: برخی معتقدند این واژه از هیچ مبدئی مشتق نشده بلکه ابتداءً برای کلام الهی وضع گردیده و در زبان عرب نیز کاربرد و سابقه استفاده نداشته است. از میان دانشمندان، شافعی این قول را اختیار نموده و بر این عقیده بوده است که واژه «قرآن» از ریشه دیگری گرفته نشده است، زیرا اگر مشتق از (قَرَأَ) می بود، آن وقت هر چیز خواندنی، قرآن نام می گرفت.^۱ سیوطی پس از ذکر آراء مختلف در این باره به پیروی از نظر شافعی بر آمده است.^۲

۱. تاج العروس، ج ۱، ص ۳۷۱؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۹؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.
۲. الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۴.

غَيْرِ اللَّهِ لَوْ جَدُّوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^۱ «آیا در (معانی) قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» استشهاد کرده‌اند.^۲

ب: معنی اصطلاحی قرآن

واژه «قرآن» معروف‌ترین نام کتاب آسمانی مسلمان‌ها است که خدای تعالی این نام را برای کتاب خویش در اولین سوره‌های نازل شده بر پیامبرش برگزیده است:

«يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ * قُمْ أَيْلًا قَلِيلًا * نَصْفُهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۳ «ای جامه به خویشتن فروپيچیده * به پا خیز شب را مگر اندکی * نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه * یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.»

این کتاب آسمانی شامل دستورات و حقایقی در قالب آیات و سوره‌هاست که خداوند متعال آن را توسط فرشته وحی بر پیامبرش نازل فرموده و پیامبر خدا نیز بدون هیچ دخل و تصرفی، پیام وحی را به انسان‌ها ابلاغ کرده است.

۲- اسامی قرآن

صاحب‌نظران و اندیشمندان قرآنی در خصوص اسامی و نام‌های قرآن، که در خود قرآن نیز به آن اشاره شده است، از ۴ اسم نام برده‌اند:

۲- «قرآن» اسمی مشتق و مهموز: برخی دانشمندان قرآن را مشتق از ریشه «قَرَأَ» به معنی «جمع و گردآوری» گرفته‌اند.^۱ علت این تسمیه آن است که این کتاب ثمره و نتیجه همه کتاب‌های آسمانی انبیا پیشین را در خود جمع کرده است و بلکه جمیع همه علوم می‌باشد.^۲

برخی نیز قرآن را اسمی مشتق و مهموز از «قَرَأَ» به معنی «قرائت و پیرو هم آوردن و خواندن» آورده‌اند. چون قاری هنگام تلاوت قرآن، حروف و کلمات آن را به دنبال هم می‌آورد، به همین جهت آن را قرآن نامیدند. بنابراین در این وجه، قرآن از باب تسمیه مفعول به مصدر «مقروء» به معنی «تلاوت شده» می‌باشد که علامه طباطبایی این قول را برگزیده است.^۴

۳- «قرآن» اسمی مشتق و غیر مهموز: گروهی از لغت‌شناسان واژه «قرآن» را مشتق از «قَرَنَ» به معنای ضمیمه کردن دو چیز به یکدیگر دانسته و در نتیجه مجموعه سوره‌ها و آیه‌ها و حرف‌ها را - از آن جهت که پیوسته و مقرون به یکدیگرند - «قرآن» خوانده‌اند.^۵

بعضی از علما واژه قرآن را مشتق از «قَرَأَنَ» جمع «قرینه» دانسته و از آن جهت آن را «قرآن» خوانده است که آیاتش قرینه و همانند یکدیگر است و قسمتی قسمت دیگر را تصدیق می‌کند. آن‌گاه در توجیه نظر خود به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

۱. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۱، ص ۶۵؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۲۸؛ کتاب العین، ج ۵، ص ۲۰۵.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۹.

۳. المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۴۹۶.

۴. المیزان، ج ۲، ص ۱۵.

۵. مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۲۵۳؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.

۱. نساء، ۸۲.

۲. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ج ۱، ص ۱۶؛ مباحث فی علوم القرآن، صبحی الصالح، ص ۱۸.

۳. زمزم، ۱-۴.

الف- قرآن: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۱ «هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه برا»

ب- کتاب: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.»

چون در کتاب حروف و کلمات کنار هم گرد آمده‌اند، آن را کتاب گفته‌اند و قرآن را به این جهت کتاب نامیدند که انواع آیات و قصص و احکام در آن جمع شده است.^۳

ج- ذکر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۴ «بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»

تعبیر قرآن به «ذکر»، یا از آن جهت است که این کتاب یادآوری به بندگان نسبت به فرائض و احکام خدا است^۵ یا شرف و افتخاری برای کسی است که بدان ایمان آورد و آن را تصدیق کند.^۶

د- فرقان: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۷ «بزرگ (و خجسته) است کسی که بر بنده خود، فرقان (جدا کننده حق و باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.»

۱. این واژه در قرآن ۴۸ بار به صورت «الفرقان» و ۶ بار به صورت «قرآن» و ۱۰ بار به صورت «قرآناً» و ۲ بار به صورت «قرآنه» آمده است.

۲. نحل، ۹۸.

۳. انعام، ۵۹.

۴. التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ج ۱، ص ۱۴؛ تاریخ قرآن کریم، جتبی، ص ۲۵.

۵. حجر، ۹.

۶. مجمع البیان، مقدمه، ج ۱، ص ۴۱؛ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۷.

۷. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹.

۸. فرقان، ۱.

با توجه به این که قرآن با دلیل‌های محکم حق را از باطل جدا می‌کند و نیز پیروانش را از مشقات و سختیها نجات می‌دهد، فرقان نامیده شده است.^۱

در میان اسامی ۴ گانه فوق که برای قرآن گفته شده است، سه واژه کتاب، ذکر و فرقان بین کتاب آسمانی مسلمان‌ها و سایر صحف آسمانی مشترک است^۲ و تنها عنوان «قرآن» به صورت اسم خاص برای معجزه جاویدان آخرین فرستاده الهی و خاتم رسولان نامیده شده است.

هر چند که برخی از مفسران و عالمان و اندیشمندان قرآنی، برای قرآن بیش از ۵۰ اسم را نام برده‌اند، اما به نظر می‌رسد بسیاری از عناوینی که بزرگان این علم در شمار اسم‌های قرآن آورده‌اند، بیشتر صفت‌های قرآن باشد نه اسامی آن.^۳

۳- اوصاف قرآن

قرآن در بیان خود به توصیف خویش می‌پردازد و ویژگی‌ها و اوصافش را ذکر می‌کند. در این بخش به برخی از این اوصاف اشاره می‌کنیم:

۱- کریم: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»^۴ «که آن، قرآن کریمی است.»

۲- مجید: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ»^۵ «آری، آن قرآنی ارجمند است.»

۳- حدیث: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ»^۶ «خداوند زیباترین سخن را نازل کرد.»

۱. کتاب العین، ج ۵، ص ۱۴۸؛ مجمع البیان، مقدمه، ج ۱، ص ۴۱؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۳۴.

۲. رک: احقاف، ۱۲؛ انبیاء، ۴۸ و ۱۰۵؛ بقره، ۵۳.

۳. رک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۴؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۵؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۲۴۷.

۴. واقعه، ۷۷.

۵. بروج، ۲۱.

۶. زمر، ۲۳.

۴- نور: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»^۱ «ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.»

۵- حکیم: «يَسْ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ»^۲ «یس*سوگند به قرآن حکمت‌آموز.»

۶- فصل: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ»^۳ «در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشن‌گر است.»

۷- عظیم: «وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^۴ «و به راستی، به تو سبع المثنائی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم.»

۸- عزیز: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ»^۵ «براستی آن کتابی شکست ناپذیر است.»

۹- مبین: «الر تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ»^۶ «الر، این آیات کتاب، و قرآن روشن‌گر است.»

۱۰- مبارک: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ»^۷ «و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم.»

۱۱- بشیر و نذیر: «كِتَابٌ فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ ... بَشِيرًا وَ نَذِيرًا»^۸ «کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده ... قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است.»

۱. نساء، ۱۷۴.
۲. یس، ۱ و ۲.
۳. طارق، ۱۳.
۴. حجر، ۸۷.
۵. فصلت، ۴۱.
۶. حجر، ۱.
۷. انبیاء، ۵۰؛ ص، ۲۹.
۸. فصلت، ۲ و ۳.

۱۲- غیر ذی عوج: «قُرْءَانًا غَرِيْبًا غَيْرُ ذِي عِوَجٍ»^۱ «قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه

نادرستی.»

۱۳- نعمت: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۲ «و اما نعمت پروردگارت (قرآن) را بازگو کن.»

۱۴- بصائر: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِّنْ رَبِّكُمْ»^۳ «دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما

آمد.»

۱۵- تبیان: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۴ «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم

که بیانگر همه چیز است.»

۴- اجزاء قرآن

الف: آیه

آیه در لغت به معنی علامت و نشانه واضح و روشن است که اصل آن مشتق از «یأتی» یعنی درنگ کردن و استوار ماندن بر چیزی و یا از «تأی» به معنی مدارا کردن گرفته شده است.^۵ این کلمه دارای معانی گوناگونی است که در قرآن به چند وجه آمده است:

۱- علامت و نشانه: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا

رَمْزًا»^۶ «گفت: «پروردگارا، برای من نشانه‌ای قرار ده.» فرمود: «نشانه‌ات این است که سه روز

با مردم، جز به اشاره سخن نگویی.»

۱. زمر، ۲۸.
۲. ضحی، ۱۱.
۳. انعام، ۱۰۴.
۴. نحل، ۸۹.

۵. المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۰۱؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۶۱؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۹.

ب: سوره

سوره در لغت به معانی مختلفی آمده است، از قبیل: نیم خورده و باقی مانده چیزی (سُور)،^۱ حصار و دیوار شهر (سُور)^۲ دستواره و دستبند (سوار)،^۳ مقام و منزلت رفیع (س و ر).^۴ مفسران و اندیشمندان قرآنی برای هر یک از وجوه لغوی فوق وجه تناسبی با معنی اصطلاحی سوره بیان کرده‌اند. فی المثل ذکر شده است چون سوره قطعه و بخشی از قرآن است آن را سوره گفته‌اند و یا اینکه هر سوره، آیاتی را به صورت دستواره ای احاطه کرده و آنها را گرد هم و به صورت واحدی در آورده و از آنها محافظت می‌کند.^۵

درباره معنی اصطلاحی سوره گفته شده که سوره بخشی از قرآن است که میان دو «بسمله» قرار گرفته،^۶ ابتدا و انتهای آن توسط پیامبر مشخص شده و امری توقیفی است.

اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده

اولین آیه نازل شده

اتفاق مفسران و محققان علوم قرآن بر آن است که ۵ آیه اول سوره مبارکه علق که هنگام بعثت بر پیامبر ﷺ نازل شده است، اولین آیات نازل شده بر حضرت بوده است که روایتی از امام رضا علیه السلام این نظر را تایید می‌کند.^۷ هر چند که برخی سوره حمد و «بسم الله الرحمن الرحيم» را نیز جزو اولین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ به حساب آورده‌اند.^۸ قابل

۲- معجزه: ^۳ «وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»^۴ «ما هیچ آیه (معجزه‌ای) به آنان نشان نمی‌دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود.»

۳- دلیل و برهان: ^۵ «وَأَيُّ آيَةٍ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَسْحُونِ»^۶ «دلیل (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانمان را در کشتی‌هایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.»

۴- عبرت: ^۷ «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً»^۸ «ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی.»

۵- قطعه ای از سوره: «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»^۹ «و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید.»

معنی اصطلاحی آیه: آیه عبارت از بخشی از حروف و یا کلمات و یا جمله‌هایی از قرآن است که حدود آن توسط پیامبر ﷺ مشخص شده است.

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۵.

۲. آل عمران، ۴۱.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۰۴.

۴. زخرف، ۴۸.

۵. مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۶۶.

۶. یس، ۴۱.

۷. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۱۹.

۸. یونس، ۹۲.

۹. انفال، ۲.

۱. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۲.

۲. کتاب العین، ج ۷، ص ۲۸۹.

۳. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۳۳.

۴. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۷.

۵. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۳۸.

۶. بجز سوره توبه که بدون بسم الله شروع شده است.

۷. بخارالأنوار، ج ۹، ص ۲۵۳.

۸. الإیتقان، ج ۱، ص ۷۴-۷۷.

کرده‌اند.^۱ اما به نظر می‌رسد سوره حمد اولین سوره کامل نازل شده باشد. زیرا بر اساس نقل‌های صحیح تاریخی و سیره، پیامبر ﷺ از همان آغاز بعثت نماز اقامه می‌فرمودند و حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به همراه حضرت نماز می‌خواندند و در روایات نیز وارد شده است که «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^۲ «نمازی نیست مگر به قرائت سوره حمد».

آخرین سوره

در حدیثی منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است که «أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ وَآخِرُهُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»^۳ ابن عباس گفته است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» آخرین سوره‌ای بوده است که تماماً نازل شده است. نقل شده است وقتی که سوره «نصر» نازل شد، پیامبر ﷺ آن را برای اصحاب قرائت فرمودند؛ آنگاه همه شادمان شدند، عباس عموی پیامبر ﷺ گریست؛ وقتی سبب گریه را پرسیدند، پاسخ داد: گمان می‌کنم این سوره اعلام رحلت پیامبر باشد.^۴

هر چند که درباره آخرین سوره نازل شده نظراتی مطرح گردیده است، اما از اتقان لازم جهت بحث و بررسی برخوردار نیستند.

گفتار دوم: علوم قرآن

۱- تعریف علوم قرآن

برای ورود به هر علم ضرورت دارد آن علم تعریف و هدف و قلمرو آن مشخص گردد تا اینکه هدف از آموزش و مقصود و مقصد آن تبیین گردد.

ذکر است که سوره حمد اولین سوره کامل نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد، نه اولین آیات نازل بر ایشان.^۱ بسمله نیز آیه‌ای است که همراه و آغاز هر سوره‌ای نازل شده است.

آخرین آیه نازل شده

درباره آخرین آیه نازل شده دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد^۲ هرچند قول صحیح در این باره به نظر می‌رسد آیه ۳ سوره مبارکه مائده باشد.^۳

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» «امروز دین

شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم».

یعقوبی از مورخان مشهور می‌گوید: «این آیه، آخرین آیه بوده که نزولش در غدیر خم هنگام نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت و جانشینی پیامبر ﷺ رخ داده است».^۴ این آیه در واقع اعلامی برای به کمال رسیدن دین و اندازی برای به پایان رسیدن وحی بوده است. به بیان دیگر معنا ندارد که خداوند متعال اکمال و اتمام دین را اعلام کند اما بعد از آن باز هم آیاتی را نازل کند.^۵

اولین سوره

درباره اولین سوره نازل شده نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی سوره قلم و برخی سوره علق و برخی دیگر سوره حمد و برخی سوره مدثر را نخستین سوره نازل شده معرفی

۱. علوم قرآنی، معرفت، ص ۶۵

۲. رک: مناهل العرفان، ج ۱، صص ۹۷-۱۰۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۷۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۳.

۵. هرچند که برخی از علمای علوم قرآن و مفسران این قول را نپذیرفته و آیه ۲۸۱ سوره بقره را آخرین آیه نازل شده بر پیامبر ﷺ معرفی کرده‌اند.

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۶۲.

۲. عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۹.

۴. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۸۲.

۲- ضرورت شناخت و فوائد علوم قرآن

ممکن است به ذهن متبادر شود که مهم‌ترین مسأله در مورد قرآن، شناخت مفاهیم و معارف والای قرآن و یا به عبارت دیگر فهمیدن محتوای کلام هدایت بخش الهی است و پرداختن به علوم قرآن ضرورتی ندارد. هر چند مقصد نهایی و هدف اعلی پیرامون قرآن، شناخت معارف والای آن است، اما بدون بررسی مسائل علوم قرآن، حداقل در برخی زمینه‌ها، تفسیر قرآن و دست‌یابی به آموزه‌های آن بر پایه‌ای استوار، بنا نخواهد بود. پرداختن به علوم قرآن فوایدی از قبیل: اثبات خدایی بودن قرآن، اثبات اصالت نص قرآن، شناخت قرآن و توانایی دفاع از ساحت قرآن را دربر دارد که ضرورت پرداختن به این دانش را تبیین می‌کند.

۳- جایگاه علوم قرآن در تفسیر

قابل ذکر است که اصطلاح علوم قرآن با آنچه در سده‌های نخستین مصطلح بود، متفاوت است. علوم قرآن در گذشته بر مباحث تفسیری قرآن نیز اطلاق می‌شد و تفسیر، علمی از علوم قرآن بوده است. علوم قرآن عموماً نگاهی از بیرون به قرآن دارد، نه از درون. برخلاف علم تفسیر که مستقیماً به محتوا و آیات قرآن می‌پردازد و نگاهی درونی دارد. علوم قرآنی مقدمه‌ای برای تفسیر و معارف قرآنی است. بیشتر مباحث علوم قرآن مقدمه و پیش‌نیاز فهم قرآن است و بدون شناخت آنها، اساساً فهم قرآن به عنوان کتابی آسمانی ممکن است دشوار باشد؛ همانند مبحث اعجاز قرآن که بدون فهم آن، آسمانی بودن و الهی بودن قرآن بر ما روشن نخواهد شد و فهم کامل قرآن حاصل نخواهد گشت.

برخی از مباحث علوم قرآن در شمار مبانی تفسیر می‌باشد و از این جهت، در فهم قرآن نقش آفرینی می‌کند. برای دست‌یابی به معنا و محتوای یک متن، مسائل و موضوعاتی وجود دارد که باید قبل از وارد شدن در فهم متن، آنها را بررسی و در قبالشان اتخاذ موضع کنیم. پیش‌نیازی مباحث علوم قرآن برای تفسیر قرآن، به قدری روشن است که برخی از مؤلفان کتب علوم قرآن تصریح کرده‌اند که کتابشان را به عنوان مقدمه تفسیر نوشته‌اند. برای نمونه

درباره تعریف دانش علوم قرآن، اندیشمندان قرآنی تعاریفی را ارائه داده‌اند که برای روشن شدن این موضوع به اهمّ این تعاریف اشاره می‌کنیم.

زرقانی در تعریف علوم قرآن می‌گوید: «هر علمی را که در خدمت قرآن بوده یا مستند به آن باشد در بر می‌گیرد. بنابراین علوم قرآن علم تفسیر، علم قرائات، علم رسم الخط قرآن، علم اعجاز قرآن، علم اسباب نزول، علم اعراب قرآن، علم غریب القرآن، علوم دین، لغت و غیر اینها را شامل می‌شود.»^۱ سیوطی مفهوم علوم قرآن را از این امر فراتر برده و حتی علم هیأت، هندسه، طب و مانند اینها را نیز جز علوم قرآن برشمرده است و قرآن را مشتمل بر آنها دانسته است.^۲

برخی از پژوهشگران انواع علمی را که علوم قرآن شامل آنها می‌شود سه دسته کرده‌اند: ۱- علمی که به صورت مستقیم در خدمت قرآن است و مفسر را برای رسیدن به معارف قرآن کمک می‌کنند ۲- علمی که قرآن را موضوع بحث قرار داده و درباره آن بحث می‌کند ۳- علمی که از قرآن استنباط می‌شود.^۳

به طور کلی علوم قرآن دارای دو مفهوم عام و خاص است. در مفهوم عام تمام علمی را که به گونه‌ای با قرآن مرتبطند پوشش می‌دهد و در مفهوم خاص تنها شامل علمی است که از قرآن استخراج می‌شوند. علوم قرآن در اصطلاح دانش خاصی است که موضوع آن قرآن می‌باشد و آنچه را که درباره این کتاب الهی مطرح است بررسی می‌کند. در نتیجه برای مباحث دانش علوم قرآن نمی‌توان گستره ثابتی را تعیین کرد؛ زیرا در گذر زمان سؤال‌های نو درباره قرآن رخ می‌نماید.^۴

۱. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۳.

۲. الإیتقان، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳. علوم القرآن الکریم، عتر، ص ۷.

۴. قرآن شناخت، علی اوسط باقری، ش ۱، ص ۳۷.

کتاب البیان فی تفسیر القرآن تألیف آیت الله خویی، مقدمه تفسیری است که ایشان آن را آغاز کرده و بخشی از سوره حمد را در ادامه تفسیر کرده‌اند.

در بیانات امامان معصوم علیهم‌السلام لزوم شناخت برخی مباحث علوم قرآن برای تفسیر صحیح قرآن، مورد تأکید قرار گرفته است. ابو عبد الرحمن السلمی روایت کرده است که امام علی علیه‌السلام به یکی از قضات برخورد کرد و از وی پرسید: آیا ناسخ را از منسوخ می‌شناسی؟ وی گفت: خیر؛ حضرت علی علیه‌السلام به وی فرمود: خود و دیگران را به هلاکت انداخته‌ای، هر حرفی از قرآن دارای وجوهی است.^۱

بنابراین تفسیر صحیح قرآن و در مواردی امکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مترتب است. از همین روی برخی از دانشمندان علوم قرآن آن را کلیدی برای تفسیر دانسته‌اند.^۲

۴- مهم‌ترین کتب موجود در زمینه علوم قرآن

۱- البرهان فی علوم القرآن، ابو عبد الله زرکشی

۲- الإیتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی

۳- مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبد العظیم زرقانی

۴- مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح

۵- تاریخ القرآن، ابو عبد الله زنجانی

۶- البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

۷- حقائق هامه حول القرآن الکریم، سید جعفر مرتضی عاملی

۸- التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت

همچنین برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در بخش‌هایی از تفاسیر و کتب خویش نیز متعرض این بحث گردیده‌اند که حائز اهمیت می‌باشند.

۱- مقدمه تفسیر آلا الرحمن - علامه بلاغی

۲- مقدمه تفسیر التبیان - شیخ طوسی

۳- مقدمه تفسیر مجمع البیان - شیخ طبرسی

۴- مقدمه تفسیر روض الجنان و روح البیان - شیخ ابوالفتح رازی

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۲. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۱.

چکیده

۱- درباره مفهوم لغوی قرآن سه قول مطرح است: الف) از هیچ مبدی مشتق نشده ب) از ریشه «قَرَأَ» یا به معنی «جمع و گرد آوری» و یا به معنی «قرائت و پیرو هم آوردن» ج) از ریشه «قَرَنَ» به معنای ضمیمه کردن دو چیز به یکدیگر.

۲- اسامی دیگر قرآن عبارتند از: کتاب، ذکر، فرقان.

۳- برای قرآن اوصافی ذکر شده است که صفتهای مجید، کریم، حکیم، حدیث، نور، فصل، نبیان، مبین و مبارک، ... از مشهورترین آنها هستند.

۴- سوره بخشی از قرآن است که میان دو «بسمله» قرار گرفته است و آیه عبارت از بخشی از حروف و یا کلمات و یا جمله هایی از قرآن است که حدود هر یک از آنها صرفاً توسط پیامبر ﷺ مشخص شده است.

۵- اولین سوره کامل نازل شده بر پیامبر سوره حمد و اولین آیات نازل شده، پنج آیه اول سوره علق. آخرین سوره نازل شده سوره نصر و آخرین آیه، آیه اکمال می باشد.

۶- در تعریف علوم قرآن گفته شده است: در مفهوم عام، تمام علومی را که به گونه ای با قرآن مرتبط هستند و در مفهوم خاص، تنها شامل علومی است که از قرآن استخراج می شوند.

۷- پرداختن به علوم قرآن فوایدی از قبیل: اثبات خدایی بودن قرآن، اثبات اصالت نص قرآن، شناخت قرآن و توانایی دفاع از ساحت قرآن را در بر دارد که ضرورت پرداختن به این دانش را تبیین می کند.

۸- تفسیر صحیح قرآن و در مواردی امکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مترتب است. از همین روی برخی از دانشمندان علوم قرآن آن را کلیدی برای تفسیر دانسته اند.

۹- البرهان فی علوم القرآن، الاتقان فی علوم القرآن، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مباحث فی علوم القرآن، البیان فی تفسیر القرآن، التمهید فی علوم القرآن از جمله مهمترین کتب در زمینه علوم قرآن می باشد.

پرسش و پاسخ:

۱- نظرات مطرح شده در مورد مفهوم لغوی قرآن را بیان کنید.

۲- وجه تسمیه قرآن به کتاب، ذکر و فرقان چیست؟

۳- آیه در قرآن به چه معانی آمده است؟

۴- مفهوم لغوی سوره را توضیح دهید.

۵- اولین و آخرین آیه نازل شده بر پیامبر با استدلالات موجود را شرح دهید.

۶- علوم قرآن را تعریف و ضرورت آن را بیان نمایید.

۷- تفاوت علوم قرآن و تفسیر را بیان کنید.

درس دوم:

نزول قرآن

اهداف آموزشی درس

- بررسی اجمالی نزول قرآن
- آشنایی با دیدگاه علامه طباطبائی درباره نزول دفعی و جمع آن با نزول تدریجی قرآن
- شناخت حکمت نزول تدریجی قرآن
- گذری بر معیارهای شناخت و خصوصیات سوره های مکی و مدنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز نزول قرآن

قرآن کلام خدا و مجموعه‌ای از آیات و سوره‌هایی می‌باشد که در مناسبت‌ها و پیشامدهای گوناگون به تدریج در طول ۲۳ سال بر قلب حضرت محمد ﷺ نازل شده است و تا آخرین سال حیات پیامبر ﷺ ادامه داشته است.

خداوند متعال در کلام الله مجید به نزول قرآن اشاره کرده است و در این خصوص آیاتی را نازل کرده است:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱ «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است.»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۲ «ما (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم.»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۳ «ما آن (قرآن) را در شبی فرخنده نازل کردیم.»

با توجه به آبات ذکر شده مشخص می‌شود که قرآن در ماه مبارک رمضان و در شب قدر نازل شده است.

۱. بقره، ۱۸۵.

۲. قدر، ۱.

۳. دخان، ۳.

اما در تاریخ ذکر شده است هنگامی که پیامبر اسلام در غار حراء مشغول تهجد و عبادت بوده است در سن ۴۰ سالگی در ۲۷ رجب، فرشته وحی نازل می‌شود و به حضرت بشارت نبوت را می‌دهد و ۵ آیه اول سوره مبارکه علق را به عنوان اولین آیات بر حضرتش نازل می‌کند. این واقعه مورد اتفاق اکثر مورخان و سیره نویسان می‌باشد.^۱

حال این سؤال مطرح است که چگونه آغاز نزول قرآن بر اساس نص قرآن شب قدر و بر اساس نقل‌ها و روایات صحیح و معتبر تاریخی در روز بعثت پیامبر ﷺ بوده است؟ در پاسخ به این سؤال در بین علما و اندیشمندان آراء و نظریات مختلفی مطرح است^۲ که معروف‌ترین و دقیق‌ترین نظریه این است که قرآن دو نوع نزول داشته است: نزول دفعی و نزول تدریجی قرآن. نزول تدریجی به این معنی است که قرآن کریم در دوره پیامبری رسول خدا ﷺ به تدریج و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون در طی ۲۳ سال نازل شده است. این نزول از امور مسلم است، چرا که خود قرآن به آن تصریح کرده است.

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»^۳ «و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه (ما آن را به تدریج نازل کردیم) تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی (بر تو) خواندیم.»

بر این اساس آغاز نزول تدریجی قرآن از ۲۷ رجب به همراه نزول ۵ آیه اول سوره علق بوده است. اما نوع دیگر نزول قرآن برخلاف نزول تدریجی، نزول دفعی بوده است. اگر چه

نزول تدریجی قرآن از زمان بعثت پیامبر ﷺ آغاز شده، اما قرآن قبل از آن در شب قدر به صورت یک‌جا و دفعی بر قلب مقدس پیامبر ﷺ نازل شده است.

علامه طباطبایی با استفاده از آیات قرآن^۱ در مورد نزول دفعی قرآن می‌گوید: «قرآن دارای حقیقتی فوق فهم عادی و دور از دسترس بشر در کتاب مبین و لوح محفوظ قرار دارد که بدون لفظ عربی و بدور از تفصیل و اجزا است که این مرتبه عالی در شب قدر یک‌باره و دفعتاً بر قلب مقدس پیامبر ﷺ نازل شده است و سپس آن حقیقت در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده است.»^۲

این مسأله در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز وارد شده است که برای نمونه حفص بن غیاث می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۳ سؤال کردم که چگونه قرآن در ماه رمضان یک‌جا نازل شده، در حالی که در طول بیست سال بر پیامبر ﷺ نازل گشته است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن به طور یک‌جا در ماه رمضان بر بیت المعمور (قلب پیامبر ﷺ) نازل شده و سپس در طول بیست سال بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گشته است.^۴

حکمت نزول تدریجی قرآن

همانطور که بیان شد قرآن کریم بر خلاف سایر صحف آسمانی دو نزول داشته است: یک نزول دفعی بر قلب مقدس پیامبر ﷺ و یک نزول تدریجی. در خصوص نزول تدریجی فوائد و حکمت‌هایی بیان شده است که ذیلاً به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. زخرف، ۴-۱؛ بروج، ۲۱؛ هود، ۱۱.

۲. المیزان، ج ۲، صص ۱۸-۱۶.

۳. بقره، ۱۸۵.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸؛ أمالی للصدوق، ح ۵، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۵۰.

۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۹؛ الکامل، ج ۲، ص ۴۸؛ پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۶.

۲. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۰۰.

۳. فرقان، ۳۲.

۱- ایجاد دلگرمی برای پیامبر

کفار از روی لجاجت و کینه ورزی به پیامبر ﷺ خرده می‌گرفتند که چرا قرآن مثل تورات و انجیل یک‌باره نازل نشده است؟ خداوند متعال در پاسخ کفار، فلسفه نزول تدریجی قرآن را ایجاد دلگرمی و آرامش و اطمینان بر پیامبر ﷺ می‌خواند.^۱

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾^۲ «و کافران گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن محکم داریم و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم.»

نزول تدریجی قرآن در سختی‌ها و کوران حوادث و تنگناها، بهترین دلگرمی و پشتوانه برای پیامبر ﷺ بود و قلب مبارک آن حضرت را قوت می‌بخشید. در آیات زیادی از قرآن ملاحظه می‌کنیم که خداوند متعال در خطاب به پیامبرش او را به صبر و استقامت دعوت می‌کند و از او می‌خواهد که نگران سخنان کافران نباشد:

﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۳ «سخن آنان تو را محزون نسازد. عزت به تمامی از آن خداوند است.»

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾^۴ «پس بر آنچه می‌گویند شکیبایی باش.»

البته همین قوت قلب و استحکام بخشیدن برای مسلمان‌ها نیز وجود داشته و نزول پیوسته و تدریجی آیات برای آنان نیز آرام‌بخش بوده است.

۲- پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها

بسیاری از آیات قرآن کریم در پاسخ پرسش‌های مردم یا به دنبال وقوع حوادثی نازل شده است. به عنوان مثال در قرآن از روح، ذو القرنین، ماه‌های حرام، خمر و میسر، انفاق، خوردنی‌های حلال و یتیمان سؤال شده است.^۱ همچنین آیات مربوط به ظهار، افک و تخلف از جنگ، پس از وقوع حادثه ای برای روشن کردن حکم آن نازل شده‌اند. روشن است که سؤالات و پیشامدها به تدریج و به مرور زمان به وجود می‌آیند و نزول آیاتی درباره آنها نیز مستلزم تدریج در نزول قرآن است.^۲ این نوع از نزول به طور قطع تأثیر بسزایی در مخاطبان قرآن می‌گذارد.^۳

۳- ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن

نزول تدریجی قرآن که فرائض و معارف متعالی دین اسلام را به همراه خود می‌آورد، این امکان را به افراد می‌داد تا آرام آرام با دستورات و معارف الهی آشنا شوند و توانایی فهم و انجام آن را داشته باشند.

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكُتٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾^۴ «و قرآنی (با عظمت را) بخش بخش (بر تو) نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.»

اما اگر قرآن به صورت جمعی و یک‌باره بر مردم نازل می‌شد و احکام و قوانین آن دفعتهً ابلاغ می‌گشت، جامعه آن زمان توانایی انجام همه قوانین و ضوابط قرآنی را نداشت که این

۱. رک: اسراء، ۸۵؛ ابراهیم، ۵؛ کهف، ۸۳؛ انفال، ۱؛ بقره، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۶.

۲. رک: هود، ۳۴؛ مجادله، ۳.

۳. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۵۸.

۴. اسراء، ۱۰۶.

۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۰.

۲. فرقان، ۳۲.

۳. یونس، ۳۲.

۴. طه، ۱۳۰.

موضوع در اوایل نزول قرآن و تبلیغ اسلام در زمان بعثت و سپس در زمان هجرت، نمود بیشتری داشت. زیرا مردم آن روزگار از جنبه فرهنگی در سطح بسیار نازلی قرار داشتند و با آداب و رسوم کهن و ریشه داری می‌زیستند که ترک همه آنها و روی آوردن به دستورات اسلامی برای آنان تقریباً امری غیر ممکن و محال بود. از این روی است که برخی احکام جاهلی مانند تحریم شرب خمر و آزادی بردگان و ... در قرآن کریم آرام آرام و در چند مرحله صورت پذیرفت.^۱ این شیوه بهترین و کاملترین شکل تعلیم و تربیت است؛ در عین حال که به تدریج جامعه را از آداب و رسوم غلط و جاهلانه عاری می‌سازد، در همان حال احکام و دستورات خود را نازل می‌کند تا مردم آهسته، اما پیوسته زندگی فردی و اجتماعی خویش را با آن هماهنگ کنند تا در نهایت به کمال دنیوی و اخروی خویش برسند.

آیات و سور مکی و مدنی

همانطور که گفته شد نزول قرآن کریم در فراز و نشیب‌های گوناگون و گذر از شرایط سخت و دشوار در طول ۲۳ از آغاز بعثت در مکه شروع و سپس در مدینه ادامه یافت تا اینکه سرانجام در راه برگشت پیامبر ﷺ از حجه الوداع، در منطقه غدیر خم با نزول آیه اکمال (آیه سه سوره مائده) خاتمه یافت و پیامبر ﷺ با نصب حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین خود و خلیفه مسلمین، دین را به کمال و بلوغ و اتمام رسانید. اگر چه هر یک از این فراز و نشیب‌های موجود در بستر وحی قرآنی، در شکل‌گیری دین مبین اسلام جایگاه معینی دارد، اما مکه و مدینه به عنوان دو جایگاه مهم در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱- معیار شناخت آیات مکی و مدنی

سؤال مهمی که در این بحث مطرح می‌شود این است که چه معیاری باعث تفکیک وحی قرآن به مکی و مدنی شده است؟ طبق روایات ترتیب نزول ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است. به طور کلی در این تقسیم‌بندی سه ملاک و معیار وجود دارد:

الف. معیار مکان: بر اساس معیار مکان، آیات مکی به آیاتی از قرآن گفته می‌شود که در مکه، اعم از شهر مکه و نواحی اطراف آن چون منی، عرفات و حدیبه، نازل شده باشد و آیات مدنی به آیاتی گفته می‌شود که در مدینه و نواحی اطرافش نظیر بدر، احد و سلع (نام کوهی در مدینه) نازل شده باشد.^۱ طبق این تعریف، آیاتی که در مکان‌های دیگری مانند جحفه، تبوک و بیت المقدس نازل شده است، در هیچ یک از دو دسته مکی یا مدنی قرار نمی‌گیرد.

ب. معیار زمان: بیشتر مفسرین معتقدند که معیار مکی یا مدنی بودن، هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه است. در این معیار، هجرت پیامبر اکرم ﷺ ملاک قرار گرفته است. از این رو هر آیه و سوره‌ای که قبل از هجرت و یا در اثنای هجرت، قبل از رسیدن به مدینه نازل شده باشد، مکی و آنچه پس از هجرت نازل گردیده هر چند که در مکه باشد، مدنی است.^۲ که این نظر در بین علمای علوم قرآن صحیح‌تر و دقیق‌تر است.

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۳۴.

۲. مباحث فی علوم القرآن، صبحی صالح، ص ۱۶۷.

۱. ر.ک: جلاء الالذهاب، ج ۱، صص ۲۷۴-۲۷۳؛ المیزان، ج ۱۳، ص ۲۲۱؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، صص ۴۴-۴۲.

ب: ابعاد محتوایی

از نظر محتوایی، مدار دعوت اسلامی در مکه، بیشتر حول محور ایمان به خدای یکتا و روز قیامت و تصویر بهشت و دوزخ است. تمسک به اخلاق پسندیده، کثرت قصص انبیاء و امت‌های پیشین، مجادله با مشرکان، حمله شدید به شرک و بت پرستی، آشکار ساختن زشتی تقلید و نادرستی عادات سنتی آنها از قبیل نفرت از دختر، مباح شمردن ناموس، خوردن مال یتیم و آدم‌کشی از دیگر محورهایی است که وحی مکی به آنها پرداخته است. همچنین از ویژگی‌های دیگر وحی مکی، کثرت قسم به خداوند، روز قیامت، قرآن و دیگر مخلوقات و کثرت کاربرد «یا ایها الناس»، شدت لحن، کوبندگی و پرحرارتی در آیات می‌باشد.^۱

اما محور سور مدنی از نظر محتوایی، به تشریع احکام و حدود و فرائض می‌پردازد و اجتماع جدید را بنا می‌نهد و در این مسیر از کلامی نرم و آرام، همراه با بیان تفصیلی و مناسب بهره می‌گیرد. سوره‌ها و آیات مدنی به طور تفصیلی به ادله و براهین دینی و رویارویی با اهل کتاب و منافقان می‌پردازد و در آن لفظ «یا ایها الذین آمنوا» کثرت دارد.^۲

ج. معیار خطاب: در معیار سوم ملاک عبارت از اشخاص است، یعنی آیاتی که مخاطب آن اهل مکه هستند و در آن خطاب «یا ایها الناس» آمده آیات مکی نامیده می‌شود و آیات مدنی، عبارت از آیات و سوری هستند که مخاطب آنها اهل مدینه می‌باشد و خطاب به صورت «یا ایها الذین آمنوا» می‌باشد.^۱

۲- خصوصیات آیات و سور مکی و مدنی

هرچند که دعوت پیامبر ﷺ در مکه و مدینه دارای تقریباً دو مرحله متفاوت بود و هر یک از این دو مکان مقتضیات خاص خود را داشت که متناسب با آن شرایط آیات نازل می‌شد، اما یافتن شاخصه‌ها و معیارهایی که به طور قطع به تمایز بین آیات و سور مکی و مدنی دلالت داشته باشد، کمی دشوار به نظر می‌رسد. برخی مفسران و عالمان علوم قرآنی خصوصیتی را برای شناخت سور مکی و مدنی ذکر کرده‌اند. هر چند که هر یک از آنها به تنهایی نمی‌تواند ملاک جامع و مانعی باشد بلکه روی هم رفته تا حدودی می‌تواند تعیین کننده باشد. به طور کلی تفاوت‌های آیات و سور مکی و مدنی را می‌توان در دو بعد ساختار و محتوا خلاصه کرد.

الف: ابعاد ساختاری و اسلوبی

آیات مکی غالباً دارای اسلوبی کوتاه، با سوره‌ها و آیات کوچک، متجانس و موزون می‌باشند. اما در آیات مدنی اکثر سوره‌ها و آیات بلند می‌باشند.

۱. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ج ۱، ص ۶۲.
 ۲. «وَلَا تَجْدُلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا عَمَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» «یا اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه‌ای مجادله مکنید. مگر با آنها که ستم پیشه کردند. و بگویند: به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است ایمان آورده‌ایم. و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او گردن نهاده‌ایم» عنکبوت، ۴۶.
 ۳. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۱.

چکیده

۱- قرآن کریم دو نوع نزول دارد: الف- نزول دفعی ب- نزول تدریجی. قرآن کریم در شب قدر به طور دفعی بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده سپس در ۲۷ رجب با ۵ آیه از اول سوره علق آغاز شد و در مدت ۲۳ سال بخش بخش در مناسبت‌های مختلف نازل شده است.

۲- حکمت نزول تدریجی قرآن؛ ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ، پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها، ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن است.

۳- برای شناخت آیات مکی و مدنی سه ملاک و معیار وجود دارد: الف- معیار مکان ب- معیار زمان ج- معیار خطاب

۴- به طور کلی آیات مکی و مدنی در ابعاد ساختاری و محتوایی با هم تفاوت دارند.

پرسش و پاسخ

۱- نزول قرآن بر چند نوع است؟ توضیح دهید.

۲- نحوه دلالت نزول تدریجی قرآن در ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ چگونه است؟

۳- معیار مکان و زمان و خطاب را در تشخیص آیات مکی و مدنی را توضیح دهید.

۴- ویژگی‌های کلی آیات مکی و مدنی چیست؟

درس سوم:

وحيانی بودن قرآن

اهداف آموزشی درس

➤ آشنایی با گستره کاربرد وحی در قرآن

➤ مشخص شدن کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ

➤ بررسی تفاوت وحی با حدیث قدسی، الهام و کشف و شهود عرفانی

بارزترین و اصلی‌ترین ویژگی قرآن مجید جنبه وحیانی بودن آن است، بدین معنی که تمامی آیات و سور قرآنی از سوی خداوند متعال نازل شده است و بشر هیچ گونه دخل و تصرفی در ایجاد آن نداشته است. بحث درباره وحی از این روی حائز اهمیت است که پایه شناخت کلام خدا به شمار می‌رود. قرآن با عنوان «کلام الهی» آنگاه قابل قبول است که مسأله «وحی» روشن و پذیرفته شود. برای تبیین بیشتر این موضوع که از بنیادی‌ترین مباحث علوم قرآن می‌باشد، ضرورت دارد اندکی بیشتر به ابعاد مختلف این پدیده و مباحث مطروحه در آن بپردازیم.

۱- مفهوم شناسی وحی

الف) وحی در لغت

عالم‌ان علم لغت برای واژه «وحی» کاربردهای گوناگونی بر شمرده‌اند؛ مانند نوشتن، اشاره، پیام، الهام و کلام مخفی. برخی از لغت‌شناسان می‌گویند: ریشه اصلی وحی بر القای پنهانی دانش و غیر آن دلالت می‌کند و همه استعمال‌های واژه وحی به این معنی باز می‌گردد.^۱ برخی نیز اصل وحی را به معنی اشاره سریع دانسته‌اند.^۲

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۷۰.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۵۸.

(ب) وحی در اصطلاح

در اصطلاح اسلامی وقتی وحی را به خدا نسبت می‌دهند، مقصود وحی بر پیامبران است. در تعریف اصطلاحی وحی می‌توان گفت: وحی شعور و درک ویژه‌ای در باطن پیامبران است که یک سلسله حقائق و معارف برای راهنمایی مردم از طریق غیبی، از جانب خداوند به پیامبرش القاء می‌شود.^۱

این گونه وحی در قرآن به سه صورت ذکر گردیده است:

اقسام وحی نبوی الهی در قرآن کریم به سه صورت منحصر شده است: ۱- گفتار مستقیم بدون هیچ واسطه ۲- گفتار از پس پرده حجاب ۳- ارسال وحی به وسیله ملک الهی.^۲

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ»^۳ «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز (از راه) وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار.»

۲- کاربردهای وحی در قرآن

وحی در قرآن کریم فراتر از معنی اصطلاحی یعنی وحی نبوی به کار رفته است. واژه «وحی» و مشتقاتش به صورت اسم و فعل، ۷۲ بار در قرآن آمده است. گاهی این وحی از طرف خدا است و گاهی از طرف شیطان. گاهی وحی بر پیامبر خدا است و گاهی هم بر انسان‌های عادی یا زنبور عسل و یا آسمان و زمین است. در تمام این موارد به نحوی انتقال

۱. برای مطالعه بیشتر رک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۱؛ وحی شناسی، ص ۳۹.
۲. المیزان، ج ۱۸، صص ۷۴-۷۳.
۳. شوری، ۵۱.

درس سوم - وحیانی بودن قرآن / ۵۱

پنهانی صورت گرفته است که به ریشه اصلی و لغوی آن بر می‌گردد.^۱ موارد کاربرد وحی در قرآن به لحاظ معنایی از این قرارند:

الف: هدایت غریزی

رهنمودهای طبیعی که در تمام موجودها برای بقا و تداوم حیات آنها از سوی خداوند متعال در وجودشان نهاده شده است، با نام وحی در قرآن یاد شده است.

«وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»^۲ «و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین!»

ب: اشاره پنهانی

در قرآن کریم واژه وحی در مورد حضرت یحیی علیه السلام به معنای اشاره پنهانی به کار رفته است.

«فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»^۳ «پس، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید.»

ج: الهام

در قرآن کریم واژه «وحی» به معنای «الهام» (القای مطلب در قلب) نیز به کار برده شده است.^۴ برای مثال درباره الهام به مادر حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

۱. المیزان، ج ۲، ص ۳۱۹؛ قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۸۹.
۲. نحل ۶۸.
۳. مریم، ۱۱.
۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۰۳.

۳- کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ

وحی بر پیامبر ﷺ به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم نازل می‌شد که هر دو راه مطمئن و بدون نفوذ شیطان و نسیان می‌باشد. در ادامه بحث به طور مختصر به توضیح و شرح آنها می‌پردازیم.

الف: وحی مستقیم (لدنی)

وحی مستقیم وحی‌ای است که پیامبر ﷺ بدون هیچ واسطه‌ای حتی جبرئیل با خداوند متعال ارتباط برقرار می‌کند.

«وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ»^۱ «و حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری.»

در روایتی زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم: «جُعِلَتْ فِدَاكَ الْغَشِيَّةُ الَّتِي كَانَتْ تُصِيبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ قَالَ فَقَالَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحَدٌ ذَاكَ إِذَا تَجَلَّى اللَّهُ»^۲ «فدایت شوم، مدهوشی که هنگام نزول وحی بر رسول خدا عارض می‌گشت برای چه بود؟ حضرت فرمودند: این زمانی بود که میان او و خداوند احدی واسطه نبود. این هنگامی بود که خدا با عظمت و جلال خود بر او تجلی می‌نمود.»

وحی مستقیم بر آن حضرت آنقدر سنگین بوده که در برخی از روایات «برحاء وحی»^۳ یعنی شدت تب وحی، تعبیر شده است.^۴

«وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَاهُ فِي الْقَيْمِ»^۱ «و به مادر موسی وحی کردیم که: «او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز.»

د: القای شیطانی

در قرآن کریم گاهی از وحی به معنای القای امری شیطانی نام برده شده است.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»^۲ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب (یکدیگر)، سخنان آراسته القا می‌کنند.»

وسوسه شیطان و القای سخن او بر انسان را از آن جهت «وحی» می‌گویند که این کار به صورت پنهانی صورت می‌گیرد. شیطانهای بشری می‌کوشند تا دیگران به گمراه کردن آنان پی ببرند و شیطانهای جنی بدون آشکار شدن و استفاده از الفاظ، آنچه می‌خواهند به دیگران انتقال می‌دهند.^۳

ه: وحی رسالی

وحی بدین معنا شاخصه نبوت است و در قرآن به انبیا نسبت داده شده است:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ»^۴ «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم.»

۱. قصص، ۷.

۲. انعام، ۱۱۲.

۳. وحی شناسی، ص ۲۹.

۴. یوسف، ۳.

۱. نمل، ۶.

۲. بحار الانوار ج ۱۸، ص ۲۵۶.

۳. المناقب ج ۱، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۱۱.

ب: وحی غیر مستقیم

دومین قسم وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی به واسطه جبرئیل بوده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ»^۱ «و راستی که این (قرآن) وحی پروردگار جهانیان است. «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد. تا از (جمله) هشداردهندگان باشی.»

از روایات درباره وحی غیر مستقیم چنین استنباط می‌شود که در این مرحله امر بر پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار نبوده است و گاه جبرئیل به صورت بشری خوش سیما مانند دحیه کلبی بر پیامبر متمثل می‌شد.^۲ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «كَانَ جِبْرِئِيلُ إِذَا أَتَى النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَعَدَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَعْدَةَ الْعَبْدِ وَكَانَ لَا يَدْخُلُ حَتَّى يَسْتَأْذِنَهُ»^۳ «جبرائیل هنگامی که به حضور پیامبر می‌رسید، مانند بندگان می‌نشست و بدون اجازه وارد نمی‌شد.»

آیات قرآن یا به طور مستقیم بر پیامبر وحی شده و یا جبرئیل امین واسطه وحی بوده است و نوع سوم یعنی وحی از وراء حجاب در مورد قرآن وجود نداشته است. البته مطالبی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب از جانب خدا القاء می‌شده ولی هیچ آیه‌ای از قرآن در خواب بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشده است.

۱. شعراء، ۱۹۴-۱۹۲.
۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۸۷؛ إرشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۳۷.
۳. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۶؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۸۵.

۴- تفاوت وحی با برخی مفاهیم مرتبط**الف: تفاوت وحی با حدیث قدسی**

افزون بر وحی که به صورت قرآن تبلور یافته است، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیام الهی دیگری نیز به نام حدیث قدسی به ما رسیده است که گاهی این نوع حدیث از جانب جبرئیل به پیامبر القاء می‌شده است. بنابراین ضرورت دارد فرق بین حدیث قدسی با وحی اصطلاحی که منجر به نزول قرآن شده است، مشخص گردد:

۱- قرآن معجزه است و درباره آن تحدی شده و بشر از آوردن همانند آن عاجزند، ولی درباره حدیث قدسی تحدی نشده است.

۲- در وحی قرآنی علاوه بر مفاهیم حتی الفاظ نیز از جانب خداست و پیامبر صلی الله علیه و آله حق هیچ گونه دخل و تصرفی در آن را ندارد؛ اما در حدیث قدسی مفاهیم از جانب خداست و الفاظ از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و حضرت می‌تواند در آن دخل و تصرف کند.

۳- منکر قرآن بر خلاف منکر حدیث قدسی کافر شمرده می‌شود.

۴- در نماز حتماً باید قرآن خوانده شود و نمی‌توان حدیث قدسی خواند.

۵- مس قرآن بدون وضو مجاز نمی‌باشد.^۱

ب: تفاوت وحی با الهام

در روایات وارد شده است که به امامان علیهم السلام الهام می‌شد آن هم بدین نحو که حقایقی بر قلبشان نازل می‌گردید. حتی روایتی داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تو می‌شنوی آن چه را که می‌شنوم و می‌بینی آن چه را که می‌بینم جز آن که تو پیامبر

۱. علم الحديث و درایه الحديث، صص ۱۴-۱۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب الاحادیث قدسیه محمد الصباغ و الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه شیخ حر عاملی رجوع کنید.

۲- وحی قرآنی حقیقت دین و برنامه هدایت برای بشریت است، ولی مشاهدات عرفا امری شخصی است.

۳- رسیدن به مقام عرفانی اکتسابی بوده و با ریاضت حاصل می‌شود ولی مقام نبوت و دریافت وحی، منصبی الهی است که فقط از سوی خداوند متعال تعیین می‌گردد.^۱

نیستی و لیکن تو وزیری و تو بر خیر هستی.^۱ حضرت امیر المؤمنین امام علی (ع) در خطبه قاصعه فرمودند: «نور وحی و رسالت را می‌بینم و بوی نبوت را می‌شنوم.»^۲ همچنین در نقل‌ها و روایت‌ها آمده است که بعد از وفات پیامبر (ص) حضرت فاطمه بسیار غمگین و ناراحت بودند. از همین روی جبرئیل بر ایشان نازل می‌شدند و وقایع و اسرار را برای ایشان مکشوف نمود و حضرت علی (ع) آنها را در مصحفی به نام مصحف فاطمه (ع) جمع نمودند.^۳ اکنون سؤال اینگونه مطرح می‌شود که چه تفاوتی بین نزول جبرئیل بر پیامبر (ص) و نزول جبرئیل بر حضرت فاطمه زهرا (ع) و الهام بر ائمه اطهار (ع) وجود دارد؟

علامه حسن زاده آملی از علمای معاصر شیعه در پاسخ این سؤال می‌گوید: وحی به دو گونه تشریعی و انبایی است. وحی تشریعی صرفاً به انبیا نازل می‌شد و به حضرت محمد (ص) ختم گردید. پس حلال آن حضرت تا روز قیامت حلال است و حرام وی تا روز قیامت حرام است. اما وحی انبایی بر ائمه اطهار (ع) نازل می‌شد که در آن معارف و حقائق از عالم غیب و ملکوت بر جانشان الهام می‌گشت و این معارف غیبی غیر از قرآن است.^۴

ج: تفاوت وحی با کشف و شهود عرفانی

عرفا نیز گاهی مواقع در سیر و سلوک و ریاضت خود با عالم غیب ارتباط برقرار می‌کنند و از این طریق به معارفی به صورت علم حضوری نائل می‌شوند، اما این موضوع با وحی تشریعی پیامبر دارای تفاوت‌هایی است.

۱- وحی همواره به دور از خطا است ولی در مشهودات عرفانی خطا و اشتباه روی می‌دهد.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۶۵؛ عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۲۲.

۲. نهج البلاغه، ص ۳۰۰؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۴۶.

۴. ممد الهمم، ص ۶۷۷.

چکیده

- ۱- از بارزترین ویژگی قرآن وحیانی بودن آن است.
- ۲- اصل وحی به معنی اشاره سریع و مخفیانه است. در اصطلاح، شعور و درک ویژه ای در باطن پیامبران است که از طریق غیب یک سلسله حقائق و معارف از جانب خداوند برای ابلاغ و راهنمایی مردم به پیامبرش القاء می شود.
- ۳- واژه وحی در قرآن برای هدایت غریزی، اشاره پنهانی، الهام، القای شیطان و در نهایت در مورد پیامبران به کار رفته است.
- ۴- حدیث قدسی حدیثی است که از سوی خداوند بر پیامبر ﷺ القاء می شود و با وحی اصطلاحی متفاوت است.
- ۵- وحی اصطلاحی با الهام و کشف و شهود عرفا تفاوت‌های بسیاری دارد.

پرسش و پاسخ

- ۱- معنای اصطلاحی وحی را بیان کنید.
- ۲- وجه تسمیه وحی به القای شیطانی چیست؟
- ۳- نحوه وحی بر پیامبران را با ذکر آیه مربوطه توضیح دهید.
- ۴- مقصود از وحی لدنی چیست؟ روایتی در این زمینه نقل کنید.
- ۵- تفاوت وحی با حدیث قدسی را ذکر نمایید.
- ۶- چه تفاوتی بین وحی تشریعی و انبائی وجود دارد؟

درس چهارم:

اعجاز قرآن «۱»

اهداف آموزشی درس

- آشنایی با مفهوم معجزه
- ضرورت ارائه معجزه از سوی پیامبران
- بیان تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا
- بررسی مفهوم تحدی و مراحل آن در قرآن

اعجاز از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ افزون بر داشتن معجزاتی شبیه آنچه پیامبران پیشین برخوردار بودند از معجزه قرآن کریم نیز برخوردار بوده که اصلی‌ترین معجزه آن حضرت به شمار می‌آید. به علت اهمیت بحث اعجاز قرآن، مفسران و اندیشمندان و عالمان دینی همواره به این بحث به طور خاصی اهتمام داشتند و ابعاد و جنبه‌های گوناگون این مسأله را مورد بحث و بررسی قرار دادند. قبل از وارد شدن به بحث به مفهوم شناسی اعجاز می‌پردازیم.

۱- مفهوم شناسی

اعجاز مصدر باب افعال از ریشه (ع-ج-ز) به معنی ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی به کار رفته است^۱ که در قرآن به معنی ناتوان ساختن آمده است. «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ»^۲

معجزه در اصطلاح امری خارق العاده از سوی فرد مدعی منصبی از مناصب الهی است که دیگران از انجام آن ناتوان باشند، ضمن این که آن کار گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد.^۳

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴۷؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۹؛ کتاب العین، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. انعام، ۱۳۴.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۵.

در جای جای قرآن تصریح شده است که صاحب نظران خرد و اندیشه، بی درنگ دعوت حق را می‌پذیرند و به ندای حق لبیک می‌گویند:

«وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ»^۱ «و هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد.»

اما کسانی که به خاطر ارتکاب جرم و جنایت بی‌شمار و طغیانگری در زمین، دل‌هایشان همانند سنگ سخت و محکم گردیده و حق‌ستیز گشته‌اند، در برابر دعوت انبیای الهی صف آرایی کرده و حق را بر نمی‌تافتند. از این روی هنگامی که پیامبران با انکار منکران مواجه می‌شدند برای اثبات ادعای خود دست به معجزه می‌زدند تا کفار و ملحدان با دیدن امر غیر عادی و خارق العاده که بشر زمینی قادر به انجام آن نمی‌باشد، در برابر پیامبران سر تعظیم فرو بیاورند. بر این اساس می‌توان گفت معجزه بیشتر یک ضرورت دفاعی است تا یک ضرورت تبلیغی و ترویجی.^۲

۳- تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا

در ادامه باید به این سؤال پاسخ داد که چه تفاوتی میان معجزه با کارهای غیر عادی و خرق عادت‌هایی که برخی انسان‌ها مثل مرتاضان و اولیاء الله انجام می‌دهد چیست؟

الف) در خصوص اعجاز و خرق عادات پیامبران باید گفت که انبیاء الهی بدون نیاز به تعلیم و تعلم و هر زمانی که اراده کنند از سوی خداوند متعال می‌توانند معجزه را انجام می‌دهند. اما خرق عادت مرتاضان و کرامات عارفان، پس از تعلیم و تعلم و تکرار و تمرین

بنابر آنچه گفته شد می‌توان بر این امر تأکید کرد که در اعجاز شرایط ذیل ضرورت دارد:

الف) معجزه همراه با تحدی و مبارزه طلبی است.

ب) معجزه کاری است که دیگران بدون کمک خداوند، از انجام آن ناتوانند؛ بدین سبب، قابل تعلیم و تعلم نیست برخلاف سحر و جادو و هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم و... که از علوم غریبه و اکتسابی هستند.

ج) معجزه باید به واسطه مدعی رسالت انجام شود و علامت صدق گفته او باشد؛ بنابراین، امور طبیعی که بشر از انجام آنها ناتوان است، مانند حرکت خورشید، ماه و ...، معجزه کسی به حساب نمی‌آید.^۱

۲- ضرورت معجزه

بحث اعجاز از آن جهت ضرورت دارد که دلیلی بر صدق ادعای حقانیت هر پیامبر و مدعی رسالت الهی است. خواجه نصیرالدین طوسی بر این امر تأکید دارد و می‌گوید: راه اطمینان بر راستی هر پیامبری، ارائه معجزه به واسطه آنها بوده است.^۲

به طور کلی پیامبران در بدو دعوت خویش، رسالت خود را با معجزه قرین و همراه ساختند زیرا که دعوت پیامبران عین حق است و ندای توحید و عدالت و حق طلبی با فطرت و عقل سلیم انسان‌ها سازگار است.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۳ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده.»

۱. همان، ص ۳۶.

۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۷۵.

۳. روم، ۳۰.

۱. حج، ۵۴.

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۳؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۶۶.

سخندان بودند و در چنین فضا و افرادی همانند آوری خواسته شده بود. هر چند که قرآن در آیات دیگری از همه مخالفان و در همه دوران‌ها می‌خواهد که اگر در درستی و الهی بودن آن تردید دارند و آن را نشانه صدق و راستی پیامبر نمی‌دانند، با تمام توان و به کمک یک‌دیگر، همانند آن را بیاورند.^۱

- مراحل تحدی

قرآن کریم در چند مرحله تحدی و هم‌آورد خواستن خود را بیان کرده است.

مرحله اول: به طور مطلق می‌خواهد مثل قرآن بیاورند:

«أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاثُورُوا بِحَدِيثِ مَثَلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^۲ «یا می‌گویند: قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند!»

مرحله دوم: در مرحله بعد خداوند متعال ده سوره را مطرح نموده است.

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۳ «آنها می‌گویند: او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید - غیر از خدا - (برای این کار) دعوت کنید!»

مرحله سوم: آنگاه برای اینکه نشان دهد کافران از اتیان قرآن عاجزند پیشنهاد کرد یک سوره همانند قرآن بیاورد.

بسیار محقق می‌گردد و احتمال خطا و اشتباه نیز در آن بسیار است. همچنین آنان قادر به انجام هر کاری مثل آوردن قرآن و یا شق القمر و یا زنده کردن مردگان نمی‌باشند.^۱

ب) پیامبران برای ادعای منصب الهی خود (نبوت)، معجزه می‌آورند و برای اینکه نشان دهند هیچ بشری نمی‌تواند همانند کارهای آنان را انجام دهند، دست به همانندآوری (تحدی) زده‌اند. اما در خرق عادت عرفا و مرتاضان، دیگران نیز می‌توانند همانند آنان انجام دهند چون این امور قابل تعلیم است هر چند که علت کار آنان برای اکثریت مردم پوشیده باشد و بر همین اساس دست به تحدی زده‌اند.^۲

۴- تحدی (مبارزه طلبی)

کفار دعوت پیامبر را نپذیرفته بودند و ادعا نموده بودند که قرآن قول خدا و وحیانی نیست بلکه ساخته پیامبر و چیزی جز افسانه پیشینیان نیست و خود آنان نیز قادر به آفرینش چنین متنی هستند.

«وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۳ «و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «شنیدیم (چیز مهمتی نیست) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می‌گوییم اینها همان افسانه‌های پیشینیان است!»

خداوند متعال در مقابله با آنها می‌گوید اگر شما بر ادعای خود صادق هستید که قرآن امری بشری است شما نیز همانند این قرآن بیاورید. «فَلْيَاثُورُوا بِحَدِيثِ مَثَلِهِ»^۴ «اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند!» اعراب در زمان نزول قرآن بسیار فصیح و بلیغ و

۱. کوثر، ج ۳، ص ۲۹۹.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۸۳؛ المنقذ من الضلال، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳. انفال، ۳۱.

۴. طور، ۳۴.

۱. اسراء، ۸۸.

۲. طور، ۳۴-۳۳.

۳. هود، ۱۳.

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱ «آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) طلبید!»

از آن روی که قرآن کلام وحی می‌باشد و به غیر از پیامبر اسلام به شخص دیگری وحی نمی‌شود، پس عملاً امکان ندارد کسی بتواند مثل قرآن بیاورد، بر همین دلیل قرآن کریم با قاطعیت تمام می‌گوید:

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْخِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۲ «و اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را- غیر خدا- برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنجه‌کار) و سنگ‌ها (بت‌ها) است، و برای کافران، آماده شده است!»

قرآن کریم با آوردن جمله «لَنْ تَفْعَلُوا» در واقع خبر از غیب داده و ناتوانی و ضعف بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها در همانند آوری قرآن را به همگان آشکارا اعلام نمود.^۳ بنابراین می‌توان گفت دامنه تحدی قرآن جهان‌شمول است و اگر همه جن و انس دست به دست هم بدهند و بخواهند حتی یک سوره مثل این قرآن بیاورند، هرگز قادر نخواهند بود و دست

عجز و ناتوانی در برابر قرآن بلند خواهند کرد. در این آیه کمترین مقدار تحدی، یک سوره معرفی شده است. پس اگر کسی جمله یا حرفی بیاورد و ادعا کند که مثل قرآن گفته است در واقع او هم‌آوردی نکرده است.

«قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۱ «بگو: اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند نمی‌توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند.»

۵- معارضه با آیات تحدی

ممکن است درباره همانند آوری با قرآن این شبهه مطرح گردد که در طول تاریخ شاید معارضاتی با قرآن صورت گرفته باشد ولی اکنون به دست ما نرسیده باشد و یا اینکه مسلمان‌ها آن را مخفی و نابود کرده باشند.

نظری به تاریخ اسلام این شبهه را حل می‌کند؛ در داخل کشورهای اسلامی در زمان پیغمبر ﷺ و پس از او حتی در خود مکه و مدینه مسیحیان و یهودیان سرسخت و متعصبی می‌زیستند که برای تضعیف مسلمانان از هر فرصتی استفاده می‌کردند و همچنین در کنار کفار مکه در میان مسلمانان منافقان نیز زندگی می‌کردند، اگر آنان موفق به همانند آوری با قرآن می‌شدند بی‌تردید از هیچ تلاشی برای نشر و ترویج آن دریغ نمی‌کردند و دیگر جنگ‌های زیادی توسط کفار و اهل کتاب با مسلمان‌ها صورت نمی‌پذیرفت.

هر چند که در طول تاریخ کسانی مثل مسیلمه کذاب بودند که به زعم خویش پنداشتند که توانستند مثل قرآن بیاورند که این موارد ثبت شده است. البته نوع سخنانی که مدعیان به عنوان قرآن آورده‌اند به علت ایرادات و اشکالات بسیار فراوان در آن چیزی

۱. یونس، ۳۸.

۲. بقره، ۲۳-۲۴.

۳. التحریر و التتویر، ج ۱، ص ۱۰۰.

چکیده

- ۱- معجزه امری خارق العاده از سوی فرد مدعی منصبی از مناصب الهی است که دیگران از انجام آن ناتوان باشند و شاهی بر درستی ادعای او نیز باشد.
- ۲- اعجاز از آن جهت ضرورت دارد که دلیلی بر صدق ادعای حقانیت هر پیامبر و مدعی رسالت الهی است تا انسانها به نبوتش ایمان بیاورند.
- ۳- در اعجاز انبیاء کسی نمی تواند همانند آنرا بیاورد و تعلیم پذیر نمی باشد ولی در خرق عادت عرفا و مرتاضان دیگران هم می توانند مانند آنرا بیاورند و قابل تعلیم و تعلم نیز می باشد.
- ۴- خداوند متعال به دو صورت کلی و جزئی منکران را دعوت به تحدی با قرآن کرده است.
- ۵- مواردی از معارضه با تحدی قرآن در تاریخ ثبت شده است که چیزی جز خواری و فضاحت نتیجه‌ای برای معارضه کنندگان نداشته است.

پرسش و پاسخ

- ۱- شرایط ضروری اعجاز را نام ببرید؟
- ۲- پیامبران در چه مواقعی دست به اعجاز می زدند؟
- ۳- سه نمونه از آیات تحدی را بیان کنید.
- ۴- چرا معارضات مطرح شده درباره قرآن، همانند قرآن نیست؟

جز خسارت و فضاحت برای معارضه کنندگان نداشته است، خود به الهی و وحیانی بودن قرآن شهادت می‌دهد. در ادامه بحث به چند نمونه از این معارضه‌ها اشاره می‌کنیم:

مسئله کذاب که ادعای نبوت داشت، در برابر سوره مبارکه «الذاریات» این چنین گفته است: «والمبذرات بذرا و الحاصدات حصدا و الذاریات قمحا و الطاحنات طحنا و العاجنات عجنا و الخابزات خبزا و الثارذات ثردا و اللاقمات لقما اهاله و سمننا» «قسم به دهقانان و کشاورزان، قسم به درو کنندگان، قسم به جدا کنندگان کاه از گندم، قسم به جدا کنندگان گندم از کاه، قسم به خمیر کنندگان، قسم به نان‌پزندگان، قسم به ترید کنندگان! قسم به آن کسانی که لقمه‌های چرب و نرم بر می‌دارند.»

یا اینکه گفته است: «یا ضفدع بنت ضفدع، نقی ما تنقین، نصفک فی الماء و نصفک فی الطین، لا الماء تکدرین و لا الشارب تمنعین»^۱ «ای قورباغه دختر قورباغه! آنچه می‌خواهی صدا کن! نیمی از تو در آب و نیمی دیگر در گل است، نه آب را گل آلود می‌کنی، و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می‌نمایی!»

یکی از نویسندگان مسیحی که مدعی معارضه با قرآن است، در مقابل سوره حمد با اقتباسی که از خود سوره داشته است، سوره خود ساخته‌ای را عرضه کرده است: «الحمد للرحمن رب الأكوان، الملك الدیان، لك العبادۀ، و بك المستعان، اهدنا صراط الإیمان»^۲ «حمد مخصوص رحمن است، خداوند هستی‌ها، مالک قاضی، عبادت برای تو است و استعانت بوسیله تو است، ما را به راه ایمان هدایت فرما.»

معارضات فوق علی‌رغم اینکه از آیات قرآن الگو گرفته شده است، پر از اشتباهات نحوی و ادبی زبان عربی می‌باشد و فاقد معارف عالی قرآن می‌باشد.^۳

۱. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۹۶-۹۷.

۳. برای نقد و بررسی معارضات قرآنی رک: البیان فی تفسیر القرآن، صص ۱۰۳-۹۵.

درس پنجم:

اعجاز قرآن «۲»

اهداف آموزشی درس

- بررسی ابعاد مختلف اعجاز قرآن
- آگاهی از امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران

اختلافی بین دانشمندان مسلمان نیست که مهم‌ترین اعجاز پیامبر اسلام، به متن قرآن باز می‌گردد و نه بیرون متن قرآن. اما این پرسش همواره بین آنها وجود داشته است که وجه اعجاز قرآن در چیست و چه خصوصیتی در قرآن وجود دارد که آن را بی‌مانند کرده است؟ از متن آیات به درستی نمی‌توان پاسخ این پرسش را یافت؛ زیرا در تمام آیات که به اعجاز قرآن و تحدی آن پرداخته شده است، اشاره به جهت خاصی نشده و فقط در تحدی قرآن، آوردن مانند آن خواسته شده است.

الف) ابعاد اعجاز قرآن

وجوه اعجاز قرآن، از نظر دانشمندان مسلمان فراوان است؛ اما به طور کلی می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: نخست وجوهی که به ساختار الفاظ و ظاهر قرآن مربوط می‌شود که برای آگاهی از آن تسلط بر زبان عربی ضرورت دارد و عرب جاهلی به خوبی آن را دریافته است. بخش دوم وجوهی که به محتوا و مفاهیم قرآن مربوط می‌شود و آگاهی از آنها برای ناآشنایان با ظرایف زبان ادبی عربی نیز مقدور است. اما به طور کلی وجوه اعجاز قرآن عبارتند از:

۱- اعجاز بیانی (فصاحت و بلاغت)

دیدگاه اعجاز بیانی از مشهورترین و فراگیرترین نظریات اعجاز در حوزه علوم قرآن است. اعجاز بیانی به الفاظ و ظواهر قرآن مربوط می‌شود. زیرا قرآن افزون بر گستره فکر و تشريع

بی‌مانند خود، با ظاهری زیبا و فوق‌العاده جذاب، با انسان سخن گفته است که این نوع اعجاز بیشتر برای عرب زبانان قابل فهم است.

جامعه عربی در صدر اسلام با اینکه از جنبه ادبی و فنون فصاحت و بلاغت و سخنوری در سطح بسیار بالایی بودند، اما هنگامی که با آیات قرآن روبه‌رو شدند برای نخستین بار با متنی منسجم و پیوسته و با سبک و سیاق جدید و ساختار غریب مواجه شدند که نه شعر بود و نه نثر، با این وجود همه آنها را به حیرت و اعجاب فرو می‌برد. به همین جهت ولید بن مغیره امیر سخن سرای عرب در وصف قرآن لب به اعتراف گشود و گفت: «سخن محمد (قرآن)، نه شعر است و نه سحر؛ بلکه کلام خدا است...؛ زیرا حلاوت و طراوتی دارد که بی‌مانند و بی‌نظیر است.»^۱

انتخاب کلمات و عبارت‌ها و واژگان در قرآن چنان مناسب و بجا است که هر تغییر و تحولی از زیبایی و طراوت آن کم می‌کند و اگر هر کلمه‌ای را از جای خود برداشته و یا حذف کنیم و یا اینکه کلمه دیگری را جایگزین آن کنیم، بلاغت قرآن دچار آسیب خواهد شد. قرآن فصیح‌ترین واژگان، در بهترین سبک‌ها و برخوردار از درست‌ترین و عالی‌ترین معارف می‌باشد که با همین الفاظ، تأثیر گذارترین متن بر دل‌ها در جذب مخاطبان به سوی خود می‌باشد.^۲

معروف‌ترین شاهد مثال در این زمینه آیه قصاص است.

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۳ «و برای شما در قصاص، حیات

و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.»

ادبا، فصحا، قانون دانان و حکما برجسته عرب گرد هم جمع آمدند و در مقابل این آیه گفته‌اند: «القتل انفی للقتل» که برخی بیست امتیاز برای آیه قرآن نسبت به این جمله عرب ذکر کرده‌اند.^۱

۲- اعجاز در نظم و آهنگ قرآن

دومین وجه از وجوه مربوط به متن قرآن، آهنگ و صوت دلربای آن است. قرآن مجید با وجود گستردگی مطالب و تنوع آن، چنان آوای دلنشینی دارد که شنیدن آن، هر چند مکرر، غوغایی در جان و روح آدمی ایجاد می‌کند که بی‌همتا است. از منظر زبان‌شناسان، آوا و طنین واژه‌های قرآنی چنان از ترکیب حروف و هجاها و گزینش آنها فراهم شده که در شنونده جاذبه بی‌مانند و تأثیر شگفت‌آوری دارد. این آهنگ در هیچ نثری دیده نشده و تا کنون هیچ لحن روحانی و معنوی نتوانسته با قرآن از نظر زیبایی و جاذبه و تحمل آهنگ‌ها برابری کند.^۲

یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن و در تار و پود الفاظ نهفته است که کاملاً محسوس می‌باشد و به همین دلیل از آیات قرآن کلماتی موزون و با حساسیتی والا می‌سازد که با کوچک‌ترین تغییر در آن دچار اختلال می‌شود. این نکته قابل ذکر است که این نظم و آهنگ و موسیقی قرآن در دل معارف عمیق قرآن قرار دارد.^۳

برای نمونه هنگامی که خداوند به شب و روز سوگند یاد می‌کند، واژگانی را که به کار گرفته تصویر سازی می‌کند و آهنگ آرامی را به گوش می‌رساند.

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، صص ۲۲۵-۲۲۱؛ الاتقان، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۴۹.

۲. اعجاز القرآن، باقلانی، صص ۳۸-۴۰.

۳. ر.ک: اعجاز القرآن، رافعی، صص ۲۲۰-۲۱۲.

۱. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۱۹۹؛ إمتاع الأسماع، ج ۴، ص ۳۴۷.

۲. اعجاز اللغوی و البیانی فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۵۹؛ اعجاز بیانی، ص ۸۳.

۳. بقره، ۱۷۹.

ماه، ۱۲ بار به تعداد ماه‌های سال و یا «یوم» به معنای روز، ۳۶۵ بار در قرآن به کار رفته است.^۱

نخستین کسی که این سخن را مطرح کرده است، پژوهشگری مصری به نام رشاد خلیفه بود. کسان دیگری از قبیل دکتر عبد الرزاق نوفل در کتاب اعجاز عددی و ابو الزهرا النجدی در کتاب الاعجاز البلاغی و العددي للقرآن کریم در این خصوص نظریاتی را ابراز داشته‌اند.

۴- اعجاز علمی

یکی دیگر از ابعاد اعجاز قرآن، بعد علمی آن است. مقصود از علم در اینجا علوم تجربی، اعم از علوم طبیعی، مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی است؛ یعنی علومی که بر اساس روش مشاهده و تجربه حسی پایه‌گذاری شده و در برابر علوم عقلی، نقلی و شهودی است.

مراد از اعجاز علمی قرآن بحث از آیاتی است که در آنها نوعی راز گویی علمی مطرح شده است؛ یعنی مطلب علمی را که قبل از نزول آیه، کسی از آن اطلاع نداشته، بیان می‌کند و ممکن است مدتها بعد از نزول، از سوی دانشمندان علوم تجربی کشف شود؛ این مطلب علمی به گونه‌ای است که با وسایل عادی بشر عصر نزول، قابل فهم و بیان نبوده است.^۲

از جمله موارد اعجاز علمی در قرآن بحث نیروی جاذبه است که امروزه برای علم اثبات شده است. در آیاتی از قرآن بیان شده که خدا آسمان‌ها را بدون ستون‌های دیدنی برافراشته است.

«وَ الْأَيْلِ إِذَا عَسَّسَ وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ»^۱ «و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد و به صبح، هنگامی که تنفس کند.»

کلمه «عسس» با ۴ حرف شب را با همه آنچه در آن است به تصویر می‌کشد و از آیه بعد نور فجر دیده می‌شود و احساسات و حرکت و جنب و جوش و نشاط به انسان دست می‌دهد. اما همین که آیات نزول عذاب و نابودی قوم عاد قرائت می‌شود:

«وَ أَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ تَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُغْجَارٌ نَحْلٍ خَاوِيَةٍ»^۲ «و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدن (خداوند) این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیددی که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند.»

بدین‌گونه است که متناسب با معنی آیه، آهنگ حروف و کلمات نیز از فراز و فرود و شدت و نرمی برخوردار می‌شود. از همین روی است که پیامبر ﷺ فرمودند: قرآن را خوش و زیبا بخوانید.^۳

۳- اعجاز عددی

در دهه‌های اخیر جنبه‌ای از اعجاز قرآن مطرح شده که آن وجود نظم ریاضی میان کلمات و حروف این کتاب آسمانی است. مطابق این دیدگاه برخی کاربردهای قرآنی با واقعیت‌های خارجی از نظر تعداد هماهنگ می‌باشد. برای مثال لفظ «شهر» به معنای

۱. تکویر، ۱۸-۱۷.

۲. حاقه، ۷-۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۲۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۵.

۱. برای بررسی بیشتر اعجاز عددی قرآن ر.ک: دائرة المعارف قرآن، اعجاز عددی، ج ۳، صص ۶۵۸-۶۴۹.

۲. الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۷، ص ۳۳۶.

در قرآن کریم، تصریح خود قرآن است.^۱ خداوند متعال بعد از بیان داستان زندگی حضرت یوسف می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ﴾^۲ «این از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌فرستیم!»

خبرهای غیبی قرآن به انواع مختلفی تقسیم می‌شود:

- **اخبار گذشتگان:** قرآن کریم در بعضی از آیات به بیان قصص انبیا و امت‌های

پیشین و سرانجام آنها از قبیل خلقت انسان، داستان هابیل و قابیل، داستان ذو القرنین، اصحاب کهف و... پرداخته است. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید:

﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۳ «ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم و اراده‌ات قوی گردد و در این (اخبار و سرگذشتها)، برای تو حق، و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.»

اخبار زمان نزول: در برخی از آیات قرآن کریم به اخبار غیبی حوادث زمان پیامبر ﷺ همچون توطئه منافقان و نیت قلبیشان می‌پردازد:

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾^۴ «(در حضور تو) می‌گویند:

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»^۱ «خدا همان کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت.»

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾^۲ «(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید.»

قرآن در آیات متعددی به حرکتهای خورشید اشاره کرده که برخلاف تصورات رایج در عصر نزول بوده و امروزه آن حرکات ثبت شده است.

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾^۳ «و خورشید که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است.»

البته این نکته را باید مدنظر قرار داد که قرآن کتاب علمی نیست، بلکه کتاب هدایت است و اشارات علمی آن از اهداف فرعی قرآن است که در راه اهداف هدایتی از آنها استفاده می‌شود. در مبحث تفسیر علمی مفسر نمی‌تواند قرآن را بر هر نظریه علمی تطبیق کند و قرآن را تابع علوم متغیر سازد. با توجه به اینکه ظواهر قرآن همه علوم بشری را بر نمی‌تابد، نباید نظریه‌های علمی را بر آن تحمیل کرد.^۴

۵- اعجاز غیبی

از جمله مواردی که معجزه بودن قرآن را اثبات می‌کند، اخبار از غیب است که بشر توانایی دستیابی به آن را از راه‌های عادی به جز وحی ندارد. بهترین دلیل وجود اخبار غیبی

۱. اعجاز القرآن باقلانی، صص ۳۴-۳۳.

۲. یوسف، ۱۰۲.

۳. هود، ۱۲۰.

۴. نساء، ۸۱.

۱. رعد، ۲.

۲. لقمان، ۱۰.

۳. یس، ۳۸.

۴. القرآن و اعجازه علمی، صص ۵۱-۵۰.

«فرمانبرداریم» اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن! و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد.»

پیشگوئیها: بخشی از اخبار غیبی قرآن درباره وقایع بعد از نزول قرآن است که به حوادث آینده (مثل پیروزی رومیان بر فارسها) اشاره می‌کند و برخی دیگر از غیبگوئی‌های قرآن مربوط به قیامت و احوالات انسان‌ها و ویژگی‌های بهشت و دوزخ می‌باشد که این بخش از مهم‌ترین اخبار غیبی قرآن است. از جمله غیبگوئی‌های قرآن مربوط به آخرالزمان و فرمانروایی مستضعفان بر زمین است.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

۶- اعجاز در معارف والای قرآن

یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز در معارف و امور هدایتی قرآن است. این وجه، از مباحث مهم و برجسته اعجاز قرآن به شمار می‌آید که سبب بقاء و پایداری و جاودانگی قرآن شده است. به طور کلی معارف والا و عمیق قرآن را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی و مذاقه قرار داد:

الف- وسعت معارف قرآن: قرآن از نظر تنوع و وسعت معارف، گستره وسیعی دارد و موضوعات فراوانی را در خود جای داده است. در قلمرو اعتقادات و اخلاقیات و احکام به مسائل فراوانی پرداخته و معارف بی‌مثالی را در حوزه‌های خداشناسی، پیامبر شناسی،

عدل، امامت، انسان شناسی، روح، جن، ملک و ابلیس، فلکیات و زمین و مباحث علمی آنها، تاریخ گذشتگان و سرنوشت آنها، مباحث حکومت و سیاست، قضا و قدر، عبادات، معاملات، حدود و قضا، برزخ و قیامت، معاد و... بیان کرده است.^۱ نظام ارزشی قرآن که صدها اصل اخلاقی و نظام حقوقی مربوط به حیات فردی، اجتماعی و اقتصادی را فرا می‌گیرد که هر یک نیز شامل ده‌ها باب از ابواب فقهی است.

ب- عقلانی و فطری بودن معارف: اساس و پایه آموزه‌ها، حقائق و مفاهیم اعتقادی و اخلاقی قرآن، عقلی و فطری بودن آن است. ماهیت عقلی و فطری بودن این تعالیم که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقضی در آن نیست، از یک سو آنها را همیشگی و همه جایی ساخته و از سوی دیگر شیوه خاصی در عرضه و آموزش و در نتیجه پذیرش آنها موجب گشته است.

از جمله معارف عالی قرآن بحث خداشناسی است. قرآن کریم، به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند.^۲ در قرآن خدا ذاتی واحد و بی‌نیاز: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ»^۳، دارای همه کمالات و پیراسته از همه نقایص «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^۴ خالق هستی «فِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵، آرام‌بخش دل‌ها «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۶، مورد ستایش همه موجودات

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳.

۲. آداب الصلاة، ص ۲۶۳.

۳. توحید، ۲-۱.

۴. اعراف، ۱۸۰.

۵. ابراهیم، ۱۰.

۶. رعد، ۲۸.

می‌باشد. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»^۱ و همچنین نزدیک است و همه جا محضر او است. «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۲

۷- اعجاز در آورنده قرآن

یکی از نکات مهمی که قرآن در معجزه بودنش بشریت را متوجه آن می‌کند، توجه به شخصیت و ویژگی پیامبر ﷺ است. پیامبر ﷺ در مکتب و کلاس درس هیچ استاد و معلمی حاضر نشده بود و بر همگان معلوم و مشخص بوده که ایشان درس ناخوانده بوده و هیچ نوشتن و خواندنی نیز از ایشان دیده نشده بود. قرآن در رد سخنان کسانی که می‌گفتند: فردی از رومیان معلم پیامبر ﷺ بوده است،^۳ می‌فرماید:

«وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»^۴ «ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.»

تمامی جنبه‌ها و وجوه اعجازی که ذکر شد، همگی از سوی پیامبر که درس ناخوانده و مکتب بشری ندیده است، پدید آمده است که این امر خود بر آسمانی بودن قرآن تأکید دارد.

همانطور که گذشت تحدی به قرآن عام بوده و صرفاً برای عرب زبانان نبوده است. از همین روی اعجاز قرآن در تمام جهات فوق الذکر مطرح می‌باشد. قرآن برای انسان بلیغ و

فصیح، در بلاغت و فصاحتش و برای حکیم، در حکمت خود و برای دانشمندان در دانش خود و برای عالم اجتماعی در مباحث و مسائل اجتماعی و برای قانونگذاران در قانونگذاری خودشان و برای سیاستمداران در سیاستشان و برای حاکمان در حکومتشان و برای همه جهانیان در آنچه بدان دسترسی ندارند، مانند امور غیبی و اختلاف در حکم و علم و بیان، آیه و معجزه است.^۱

ب) امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران

با توجه به این که پیامبر اسلام ﷺ از سایر پیامبران برتر و اشرف مخلوقات است، ضرورتاً قرآن مجید که معجزه آن حضرت می‌باشد، باید امتیازاتی نسبت به معجزات پیامبران دیگر داشته باشد. از این رو به تعدادی از امتیازات قرآن بر سایر معجزات اشاره می‌کنیم:

۱- جاودانی بودن

حضرت حق تعالی دین اسلام را آخرین آئین انبیا و برترین آنها قرار داده است و این دین را برای همه انسانها بعد از پیامبر تا قیامت برگزیده، بدین جهت قرآن مجید را به عنوان منبع و اصل دین، جاودانه و پایدار قرار داده است و با وفات پیامبر ﷺ قرآن از بین نرفته است و در دست همگان وجود دارد و مردم از آن استفاده می‌کنند. اما معجزه سایر پیامبران با وفاتشان از بین رفته و چیزی جز ذکر آن معجزات باقی نمانده است.^۲

۱. اسراء، ۴۴.

۲. ق، ۱۶.

۳. اعجاز القرآن باقلانی، ص ۳۴؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۸.

۴. نحل، ۱۰۳.

۱. المیزان، ج ۱، صص ۶۰-۵۹.

۲. مباحث فی اعجاز القرآن، صص ۳۱-۲۹.

۲- عقلانی بودن

قرآن کریم معجزه ای است که خداوند متعال از انسانها خواسته است که در آن بیندیشند و تفکر کنند و عقول خود را برای تدبیر در آن به کار گیرند. اما معجزات پیامبران پیشین حسی بوده و جنبه جسمانی داشته و چشم و گوش انسانها را تسخیر می کرد. این موضوع خود برتری معجزه بودن قرآن را ثابت می کند، زیرا اعجاز عقلانی بالاتر از اعجاز حسی است و از شرافت ویژه ای برخوردار می باشد.^۱

۳- گویا بودن قرآن

قرآن به زبان و بیان آشکار مختص به خود، متصدی تنظیم و ترتیب مقدمات و اساس استدلال های خویش و شهادت بر اعجازش می باشد و این کار را به غیر خود واگذار نکرده است، تا راه استدلال برای اعجاز قرآن در پیش گیرند. قرآن یک معجزه گویاست، نیازی به معرفی ندارد، خودش به سوی خود دعوت می کند، مخالفان را به مبارزه می خواند. لذا پس از گذشت قرن ها از وفات پیامبر ﷺ، همانند زمان حیات او به دعوت خود ادامه می دهد. ولی معجزات پیامبران پیشین خود زبان نداشتند و می بایست پیامبران همراه معجزات خود می بودند تا برای اثبات اعجاز آنها مخالفان را دعوت به همانند آوری می کردند.^۲

چکیده

۱- در قرآن اشاره به جهت خاصی از اعجاز نشده و فقط در آیات تحدی، آوردن مانند آن از معاندان خواسته است.

۲- مشهورترین وجه اعجاز قرآن، بعد فصاحت و بلاغت در الفاظ و ظواهر قرآن است. قرآن به همراه فصیح ترین واژگان در بهترین سبکها که نه شعر است و نه نثر، مخاطبان را به حیرت واداشته است.

۳- قرآن مجید با وجود گستردگی مطالب و تنوع آن، چنان آوای دلنشین و زیبا و جاذبه بی همتایی دارد که شنیدن آن، هر چند مکرر، غوغایی در جان و روح آدمی ایجاد می کند و این نشان از اعجاز در نظم و آهنگ قرآن است.

۴- طرح مسائل دقیق علمی از قبیل تلقیح گیاهان توسط بادهای، گردش و کروی بودن زمین و ... به همراه وجود نظم خاص میان کلمات و حروف قرآن از دیگر ابعاد اعجاز قرآن است.

۵- قرآن اخباری از غیب بیان کرده است که بشر توانایی دستیابی به آن را بجز از طریق وحی ندارد که این موضوع اثبات اعجاز غیبی قرآن است.

۶- قرآن ناب ترین معارف را در گستره وسیعی با موضوعات فراوانی همچون خداشناسی، پیامبرشناسی، عدل، امامت، انسان شناسی، مباحث حکومت و سیاست، قضا و قدر، عبادات، معاملات، حدود و قضا، برزخ و قیامت، معاد و ... در نهایت اتقان و استحکام در اختیار بشر قرار داده است.

۷- تمامی جنبه ها و وجوه اعجاز همگی از سوی پیامبری که درس ناخوانده و مکتب بشری ندیده، پدید آمده است که این امر خود بر معجزه بودن قرآن تأکید دارد.

۸- قرآن از جنبه جاودانی بودن، عقلانی بودن و گویا بودن بر معجزات سایر پیامبران برتری دارد.

۱. أطیب البیان، ج ۱، ص ۴۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۲۹.
۲. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶.

پرسش و پاسخ

۱- آیا همه ابعاد وجوه قرآن برای همگان قابل درک است و چرا؟

۲- مراد از اعجاز علمی قرآن چیست؟

۳- انواع اعجاز غیبی در قرآن را با ذکر نمونه ای برای هر یک شرح دهید.

۴- جنبه های اعجاز قرآن در معارف والای آن را توضیح دهید.

۵- وجه امتیاز عقلانی بودن قرآن بر معجزات سایر پیامبران را بیان کنید.

درس ششم:

تحریف ناپذیری قرآن

اهداف آموزشی درس

- آگاهی از مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف
- آشنایی با انواع تحریف
- اثبات تحریف ناپذیری قرآن با دلایل گوناگون
- بررسی دلایل قائلین به تحریف

یکی از مباحث مهمی که در خصوص تاریخ قرآن همواره مطرح می‌باشد بحث تحریف‌ناپذیری قرآن است. با توجه به اینکه کتب انبیاء پیشین همانند تورات و انجیل در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول و تحریف شده و همچنین برخی روایات و نقل‌ها در کتب روایی مسلمان‌ها وجود دارد که ظاهراً دلالت بر تحریف قرآن دارد، این شبهه را در ذهن برخی افراد کوتاه‌فکر به وجود آورده است که قرآن تحریف شده و دلائلی نیز در این خصوص ارائه کرده‌اند. با توجه به وجود چنین شبهاتی ضرورت دارد با بررسی ابعاد گوناگون این بحث هر گونه شک و شبهه را از ساحت مقدس قرآن بزدائیم و ثابت کنیم که این قرآنی که امروزه در دست ما است عیناً همان قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ است.

۱- مفهوم تحریف

الف: تحریف در لغت

تحریف از ریشه «ح-ر-ف» به معنی عدول کردن از چیزی و کناره‌گیری و مایل کردن است. در آیه ۱۱ سوره مبارکه حج، «حرف» به معنی کناره استفاده شده است.^۱

۱. تاج العروس، ج ۲۳، ص ۱۳۵؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳.

۲- تحریف معنوی

تحریف معنوی که مقصود از آن تفسیر به رأی آیات قرآن است، مسلماً در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و حتی روایاتی داریم که این گونه تحریف را به شدت نکوهش کرده است.

در قرآن نیز هر کجا واژه تحریف بکار رفته، همین معنی آن اراده شده است. در ذیل تفسیر آیه «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»^۱ «کلمات را از جاهای خود برمی گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین (اسلام، با درآمیختن عبری به عربی)» گفته شده که به غیر آنچه خداوند اراده کرده است تبدیل می کنند و معنایش را تغییر می دهند و این عمل نزد خداوند مذموم می باشد.^۲

از پیامبر ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»^۳ «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند جایگاه او در جهنم است.»

امام باقر علیه السلام درباره تفسیر به رأی و تحریف معنوی قرآن می فرمایند: «كَانَ مِنْ نَبْذِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَّفُوا حُدُودَهُ فَهُمْ يَرُوءُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ وَالْجُهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرُّوَايَةِ وَالْعُلَمَاءُ يَخْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرَّعَايَةِ»^۴ «نشانه پشت سر انداختن کتاب توسط آنان این بود که حروف آن را نگاه داشتند ولی حدودش را تحریف کردند. آنان کتاب را در حالی که روایت می کنند رعایت نمی کنند. جاهلان از اینکه آنان حافظان روایت قرآنند، شگفت زده و عالمان از اینکه آنان تارک رعایت و حریم قرآنند، محزون و غم زده اند.»

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ»^۱ «و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال (و بدون عمل) می پرستد.»

در تفسیر این آیه ذکر شده است که برخی از مردم در متن ایمان و اسلام قرار ندارند بلکه در کنار و لبه آنند.^۲

ب: تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می شود:

۱- تحریف لفظی

مقصود از تحریف لفظی تحریف به کاهش (تحریف بالنقصه) یا تحریف به افزایش (تحریف بالزیاده) است.

درباره تحریف به نقیصه که می گویند کلمه، جمله، آیه و یا سوره هایی از قرآن حذف شده و اکنون در قرآن موجود نیست،^۳ اخباری نقل شده است که برخی متمسک به آن گشته اند و این نوع تحریف را در قرآن پذیرفته اند.^۴ ولی در این بخش به طور قاطع با عنایت به دیدگاه شیعه، تحریف به نقیصه را رد می کنیم.

در خصوص تحریف به افزایش باید گفت: این مسأله مورد انکار شیعه و اهل سنت است و کسی تا به حال ادعا نکرده است که بر قرآن چیزی افزون بر آنچه که بر پیامبر وحی شده، اضافه گشته است؛ زیرا که کسی توانایی همانندآوری مثل قرآن را ندارد.^۵

۱. حج، ۱۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۳؛ الکشاف، ج ۳، ص ۱۴۶.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲؛ أوائل المقالات، ص ۸۱.

۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۵۰؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۶.

۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳؛ الوافی، ج ۹، ص ۱۷۷۸.

۱. نساء، ۴۶.

۲. جامع البیان، ج ۵، ص ۷۵؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۴۳؛ الکشاف، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳. عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۴.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

بر این اساس، تحریف معنوی ناظر بر تفسیر قرآن می‌باشد و ارتباطی با تحریف الفاظ قرآن ندارد. آنچه که باید در بحث عدم تحریف قرآن اثبات شود آن است که قرآن موجود من البدو الی الختم بدون یک کلمه کم و کاستی همانی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

۲- دلایل عدم تحریف قرآن کریم

الف: دلیل قرآنی

یکی از واضح ترین دلیل بر سلامت قرآن و رد شبهه تحریف، عهده‌ی است که خداوند متعال بر حفظ و سلامتی قرآن ضمانت کرده است.

خداوند متعال در آیه حفظ می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ «بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل

کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»

همانطور که مفسران ذیل این آیه بیان کرده‌اند: منظور از حفظ قرآن، مصونیت آن از هر گونه تحریف به نقیصه و زیادت می‌باشد.^۲ آیه به صورت جمله اسمیه و با حرف «إِن» تاکید و با ضمیر «نحن» و لام تاکید بیان شده است، همه عوامل تاکید کننده در کلام، در کنار هم قرار گرفته تا این حقیقت را بیان کند که خداوند همیشه حافظ و نگهبان قرآن خواهد بود و این وعده ای تخلف ناپذیر می‌باشد.^۳

همچنین خداوند متعال در آیه نفی باطل، با صلابت و قاطعیت بیشتری، مسأله مصونیت و تحریف ناپذیری قرآن را بیان می‌کند.

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۱ «و این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.»

مراد از جمله «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» زمان نزول قرآن و عصرهای پس از آن تا روز قیامت است و از اطلاق نفی در جمله «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» عمومیت استفاده می‌شود. بنابراین مضمون آیه این است که در بیانات قرآن تناقض و در خبرهایی که داده دروغ و در معارف، حکمت‌ها، شرایع و احکامش هیچ بطلانی نیست؛ نه مورد معارضه چیزی واقع می‌شود و نه دستخوش دگرگونی می‌گردد. امکان ندارد چیزی که از قرآن نیست به آن راه یابد و یا اینکه آیاتش تحریف شود و جای آن تغییر یابد و یا کم و زیاد شود.^۲

ب: دلیل روایی

یکی دیگر از دلائلی که می‌توان بر عدم تحریف قرآن اقامه کرد، روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است. در این زمینه می‌توان به روایات زیر استناد جست:

۱- حدیث ثقلین: در این حدیث که به طور متواتر از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا...»^۳ «من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم را؛ و این دو هرگز از هم جدا

۱. فصلت، ۴۱ و ۴۲.

۲. المیزان، ج ۱۷، ص ۳۹۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۳؛ اعجاز القرآن، باقلانی، صص ۲۰-۱۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ۱۱۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴.

۱. ج ۹.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۸؛ روح المعانی، ج ۷، ص ۲۶۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۵۳.

۳. الکشاف، ج ۲، ص ۵۷۲.

است بگیرید و آنچه را با کتاب خدا مخالف است رها کنید.» نیز فرموده‌اند: هر سخن و حدیثی که موافق با کتاب خدا نباشد، باطل است. «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۱

بر این اساس اگر قرآن دستخوش تحریف شده بود هرگز نمی‌توانست معیار مناسبی برای تشخیص و شناسایی روایات صحیح باشد.

۴- تمسک اهل بیت علیهم‌السلام به آیات گوناگون قرآن: دلیل دیگر عدم تحریف از نظر روایات، روایاتی است که در آنها اهل بیت علیهم‌السلام به آیاتی از قرآن که مطابق با قرآن نزد ماست، تمسک کرده‌اند و به برخی از شیعیان خود فرموده‌اند: «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ»^۲ «قرآن را همانگونه مردم می‌خوانند بخوان.» با توجه به این که آن حضرات معصومین علیهم‌السلام مأمور هدایت مردم بوده‌اند، هرگز در بیاناتشان دیده نشده که فرموده باشند آیه‌ای از قرآن تحریف شده است.

مجموعه این احادیث و روایات دلیل قطعی بر این است که قرآن در اختیار ما، دقیقاً همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است و هرگونه تحریفی چه به نقیصه و چه زیادت و یا جابجایی را به طور کامل نفی می‌کند.^۳

ج: دلیل عقلی

قرآن کتابی است که برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها تا روز قیامت نازل شده و همگان با تمسک به این کتاب آسمانی به رستگاری و سعادت دست خواهند یافت. بر اساس این

نمی‌شوند تا اینکه در روز قیامت و در حوض کوثر به من بر گردد؛ تا زمانی که به آن دو تمسک بجوید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد...»

این حدیث شاهد تام و دلیل قطعی و تضمین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر عدم تحریف و سلامت قرآن است و با صراحت اعلام می‌کند که قرآن برای همیشه و تا روز قیامت محفوظ خواهد بود. روشن است که اگر قرآن خود دچار تحریف شده بود، فرمان تمسک بدان برای رستگاری و عدم گمراهی و ضلالت، معنایی نداشت.^۱

۲- روایات ارجاع به قرآن در فتنه‌ها: احادیثی از ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده که در حوادث و فتنه‌های روزگار، ما را به قرآن ارجاع می‌دهند و قرآن را به عنوان پناهگاه مطمئن و دژی مستحکم در برابر فتنه‌ها معرفی می‌نمایند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۲ «هنگامی که فتنه‌ها همانند شب تاریک و ظلمانی بر شما روی آورد بر شما باد به تمسک بر قرآن.»

حال اگر قرآن خود از فتنه‌ها و گزند حوادث مصون نمانده باشد، چگونه می‌تواند راهنما و هادی دیگران در فتنه‌ها باشد؟

۳- روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن: پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام در روایات متعددی، قرآن را معیار و محکی استوار دانسته‌اند که با آن می‌توان اصالت و سلامت احادیث را تشخیص داد.^۳ از جمله در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که فرمودند: «مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^۴ «پس آنچه را موافق کتاب خدا

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۱۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵۱؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۴.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۸۸.

۳. المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰۸.

هدف قرآنی، عقل حکم می‌کند که تمام دستورات و معارف و حقایق و کلمات قرآن بدون هیچ تغییر و تحول و تحریفی باید به دست انسان‌ها برسد در غیر این صورت نقض غرض الهی رخ می‌دهد.^۱

نیستند) درباره قرآن به طور کلی منتفی است؛ زیرا خداوند متعال در آیات تحدی، فرموده است هیچ بشری قادر به همانندآوری قرآن نیست و همچنین کم نمودن از قرآن نیز موجب می‌گردد تا نظم اولی کلام به هم بخورد و از بین برود و این به طور قطع در سبک و اسلوب بلاغی کلام موثر است و نمی‌توان گفت که نظم نوین همان نظم الهی و وحی است.^۲

۳- بررسی دلائل قائلین تحریف

همانطور که ذکر کردیم علما و قرآن شناسان اعم از شیعی و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف، تأکید کرده‌اند. متأسفانه برخی از اخباریون شیعی و محدثان اهل سنت در برخورد با ظاهر برخی روایات بدون بررسی و تحلیل محتوایی و عرضه آنها به قرآن، صرفاً آنها را از لحاظ سندی مورد توجه قرار دادند و به قضاوت عجولانه‌ای دست زده‌اند. در این بین میرزای نوری با نوشتن کتابی به نام فصل الخطاب با استفاده از منابع فریقین نقش خاصی را ایفاء نمود. البته علمای زیادی به نقد و بررسی این کتاب پرداخته‌اند و آن را به طور کامل رد نموده‌اند. در ادامه بحث به برخی از دلائلی که وی به آنها اشاره کرده است ذکر می‌کنیم:

۱- روایاتی وجود دارد که آنچه در امم گذشته واقع شده، در امت اسلام نیز واقع می‌شود که این امر شامل مسأله تحریف کتاب آسمانی نیز می‌شود.^۳

در این خصوص به روایتی از پیامبر ﷺ استناد می‌کنند که حضرت فرمودند: «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَدُّو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ»^۴ «هر چه در امت‌های گذشته بوده و اتفاق افتاده، بدون هیچ کم و کاستی، عیناً در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد.»

بر اساس نقلهای تاریخی و روایات زیادی که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است، قرآن از روز نخست مورد اهتمام ویژه و خاص پیامبر ﷺ و صحابه بوده است. علاوه بر اینکه خود حضرت شخصاً محافظ قرآن بوده‌اند گروه کثیری به عنوان حفاظ و کتاب قرآن بودند که هر آیه یا سوره‌ای نازل می‌شد یا مسلمین آن را حفظ و یا به دستور حضرت کتاب وحی، همه آیات و سوره را یادداشت می‌نمودند.^۵ از این رو قرآن به طور کامل در زمان حیات پیامبر ﷺ بدون هیچ‌گونه تحریفی جمع‌آوری شده بود. به گواهی تاریخ و علمای بزرگ اسلام،^۶ این قرآن کاملاً به تواتر از نسلی به نسل دیگر با اهتمام ویژه مسلمین منتقل شده است.

۵: مسأله اعجاز قرآن

یکی دیگر از مسائلی که با شبهه تحریف در تضاد است و قاطعانه آن را رد می‌کند، بحث اعجاز قرآن است. علما مسأله اعجاز را بزرگ‌ترین دلیل بر رد شبهه تحریف دانسته‌اند؛ زیرا احتمال زیادت (همان‌گونه که برخی از خوارج گفته‌اند که سوره یوسف تماماً بر قرآن افزوده شده است، چون یک سرگذشت عاشقانه است و جایی در قرآن ندارد) یا کاستن (آن‌گونه که برخی صحابی گمان برده‌اند که دو سوره معوذتین دو دعای مبطل السحرند و جزء قرآن

۱. علوم قرآنی، معرفت، ص ۳۷۵.

۲. صیانه القرآن من التحریف، صص ۱۸۲-۱۸۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۳۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۷.

۱. حجر، ۹.

۲. الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۸، صص ۲۳-۲۲؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۴۴.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰.

پاسخ: مقصود از تکرار کارهای امتهای قبل در این امت کلیات است و جزء جزء مقصود نیست؛ چون برخی کارهای امتهای قبل در این امت اتفاق نیفتاده است، همانند گوساله پرستی، تثلیث، غرق شدن فرعونیان و ...

این سخن پیامبر ﷺ به منزله عامی است که قابل تخصیص است و می‌توان عدم تحریف قرآن را به استناد آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ از آن برداشت نمود. حتی اگر ما این روایت را در تمامی امور جاری سازیم می‌توانیم بگوئیم مقصود از تحریف در قرآن، تحریف معنوی است که این موضوع محل بحث ما نیست.^۲

۲- حضرت علی علیه السلام دارای مصحفی مخالف با مصحف موجود بوده است. در تاریخ نقل شده است حضرت علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر ﷺ در خانه نشست و مشغول جمع‌آوری قرآنی شد که در آن چیزهایی بود که در قرآن فعلی موجود نیست و این چیزی جز تحریف نیست.

پاسخ: در خصوص این شبهه در فصل بعد به طور مبسوط تری بحث خواهیم نمود، اما اجمالاً باید گفت که مصحف حضرت علی علیه السلام مشتمل بر مباحثی چون شرح و تفسیر و تأویل و شأن نزول و ترتیب آیات و سور می‌باشد و آیات و سوره‌ها افزون بر آنچه که موجود است، در آن نبوده است؛ زیرا که حضرت هرگز در طول عمر مبارک خود اشاره‌ای به تحریف قرآن ننموده‌اند.^۳

۳- اخبار فراوانی به وقوع تحریف در قرآن دلالت می‌کند. همانند اخباری که به وجود آیاتی در شأن اهل بیت علیهم السلام در قرآن تاکید می‌کند.

پاسخ: حاجی نوری عموماً از کتاب‌هایی نقل روایات کرده است که ضعیف و فاقد اعتبار می‌باشد همانند تفسیر ابی‌جاروت که از غلات و مورد لعن امام صادق علیه السلام می‌باشد یا کتاب دبستان المذاهب که نویسنده آن یکی از سران فرقه زردتشتیان است که این کتاب با حمایت انگلیسی‌ها چاپ شده و منبع سوره جعلی «ولایت» مزور استناد حاجی نوری است.^۱ وی از منابع حدیثی، به روایات ضعیف و مجروح و خبر واحد استناد کرده است که با آیات قرآن و روایات صحیح السند در تضاد و تعارض می‌باشد و از نظر حدیثی غیر قابل اعتنا می‌باشد.

همچنین وی برخی روایات تفسیری ذیل آیه را جزء قرآن دانسته است و قایل به تحریف آن آیات شده است و در ضمن به برخی روایات که اشاره به تحریف معنوی (تفسیر به رأی) دارد، استناد جسته است.

اما در خصوص ادعای اینکه از اخبار برداشت می‌شود، فضائل اهل بیت علیهم السلام در قرآن بوده و اکنون در قرآن موجود نیست. همانند این فرموده امام صادق علیه السلام «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكِبِ الْفِتْنِ»^۲ «هر کس امر ولایت ما را از قرآن به دست نیاورد نمی‌تواند از فتنه‌ها در امان باشد.» باید گفت: مقصود آن است هر کس که با تدبر و تعمق در همین قرآن موجود بنگرد از جای جای قرآن امور ولایت را می‌تواند برداشت نماید. مثلاً دقت در آیات اولی الامر و ذوی القربی و غیره، مقام شامخ ولایت را روشن می‌سازد، اگر چه مخالفین توجهی ندارند و یا نمی‌خواهند توجهی داشته باشند. اینگونه روایات دال بر تحریف نقیصه نیست بلکه مقصود تفکر و تعمق دقیق در قرآن است.

۱. حجر، ۹.

۲. التمهید فی علوم القرآن، ج ۸، صص ۱۰۹-۱۰۷.

۳. تفسیر القرآن المجید، شیخ مفید، ص ۵۴۸.

۱. علوم قرآنی، معرفت، صص ۳۹۴-۳۹۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۶.

چکیده

۱- تحریف در اصطلاح به تحریف لفظی یعنی تحریف بالنقیصه یا تحریف بالزیاده اختصاص دارد که محل بحث می‌باشد.

۲- برخی تحریف بالنقیصه را در قرآن پذیرفته‌اند، ولی در دیدگاه شیعه، رد شده است. تحریف بالزیاده که مورد انکار شیعه و سنت است، کسی تا به حال مدعی آن نشده است.

۳- تحریف معنوی که مقصود از آن تفسیر به رأی آیات قرآن است، امکان آن قطعی است.

۴- دلایل عدم تحریف عبارتند از:

- دلیل قرآنی؛ آیه حفظ (حجر، ۹)، آیه نفی باطل (فصلت، ۴۱).

- دلیل روایی؛ حدیث ثقلین، روایات ارجاع به قرآن در فتنه‌ها، روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن، تمسک اهل بیت علیهم‌السلام به آیات گوناگون قرآن و دلیل عقلی، گواهی تاریخ و مسأله اعجاز قرآن.

۵- اخباری که به وجود آیاتی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن تاکید می‌کند، روایات ضعیف و مجروح و اخبار واحدی می‌باشد که با آیات قرآن و روایات صحیح‌السند در تضاد و تعارض می‌باشد.

۶- اضافات مصحف حضرت علی علیه‌السلام بر مصحف موجود، مباحثی چون شرح و تفسیر و تأویل و شأن و نزول و ترتیب آیات و سور می‌باشد و آیات و سوری افزون بر آنچه که موجود است، در آن نبوده است.

پرسش و پاسخ

۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف را توضیح دهید.

۲- مفهوم تحریف معنوی را با روایتی شرح دهید.

۳- آیه نفی باطل چگونه بر عدم تحریف دلالت می‌کند؟

۴- دلایل روایی بر مصونیت قرآن از تحریف را نام ببرید و دو مورد را توضیح دهید.

۵- دلیل عقلی را بر تحریف ناپذیری قرآن تبیین کنید.

۶- شبهه تشابه بین امت اسلام با دیگر امم، در زمینه تحریف را پاسخ دهید.

۷- آیا در قرآن آیاتی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام بوده و اکنون در قرآن موجود نیست؟ چگونه؟

درس هفتم:

جامعیت قرآن

اهداف آموزشی درس

- بررسی گستره مفهوم جامعیت قرآن
- اثبات جامعیت قرآن
- بررسی آیات دال بر جامعیت
- شناخت دیدگاه‌های مختلف در زمینه جامعیت

از ویژگی‌های منحصر به فردی که قرآن کریم دارای آن است و آن را از معجزات سایر انبیاء برتری می‌بخشد مسأله جامعیت قرآن است. این ویژگی قرآن از جمله دلایل اثبات اعجاز قرآن کریم و حقانیت آورنده آن نیز می‌باشد. اما نکته مهمی که در این موضوع باید مشخص گردد، مفهوم و مقصود از جامعیت قرآن و حوزه و قلمرو آن است. آیا مقصود از جامعیت آن است که از قرآن باید انتظار داشت به همه امور بپردازد و به تمام سؤالات بشریت در تمام حوزه‌ها پاسخ دهد و یا اینکه مقصود از جامعیت امر دیگری است؟ ولی قبل از تفسیر و چگونگی جامعیت قرآن به ادله اثبات آن می‌پردازیم.

اثبات جامعیت قرآن

مهم‌ترین ادله‌ای که از منظر درون دینی بر جامعیت قرآن دلالت دارد خود آیات قرآن است. جامعیت قرآن از چند دسته از آیات استنباط می‌شود:

دسته اول: آیاتی که صراحتاً به جامعیت قرآن تأکید می‌کند.

دسته دوم: آیاتی که اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند.

دسته سوم: آیاتی که قرآن و دستوراتش جاودانی و کامل می‌داند.

دسته اول: آیات جامعیت

آیاتی در قرآن وجود دارد که به طور مستقیم اشاره به جامعیت قرآن دارند که آن آیات عبارتند از:

۱- «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۱ «سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه (از کتاب‌هایی) است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»

۲- «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^۲ «و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.»

ظاهر دو آیه «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» و «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» این است که قرآن کریم همه چیز را بیان می‌کند؛ زیرا تفصیل به معنای بیان مطلب به طور مشروح و تبیان به معنای کثرت بیان است^۳ و معنای کل شیء هم روشن است. بحث درباره این دو آیه از دیر زمان مورد توجه مفسران و دانشمندان اسلامی بوده و همواره از این دو آیه برای اثبات جامعیت قرآن استفاده می‌کردند.

۳- «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»^۴ «و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار ثبت است.»

این آیه نیز به صراحت بیان می‌کند که هیچ اموری از تر و خشک وجود ندارد مگر اینکه در کتاب مبین به آن پرداخته شده است. البته بین اندیشمندان و محققان درباره کتاب مبین اختلاف شده است که آیا مقصود از آن همین قرآن است یا حقیقت دیگری؟

۴- «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»^۱ «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم.»

از عبارت «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» برداشت می‌شود که این آیه نیز به زبان دیگر اشاره به تبیان بودن قرآن برای همه چیز است و از هیچ مسئله‌ای در قرآن فروگذار نشده است.

دسته دوم: جهانی بودن قرآن

از ادله دیگر جامعیت قرآن، مسأله جهانی بودن دین اسلام. جهانی بودن دین به این معنا است که تعالیم و دستورات قرآن به طبقه، گروه، جامعه و نژاد خاصی اختصاص نداشته باشد. خطاب آیات کریمه به همه مردم اعم از عرب و عجم است و هدف هدایت و ساختن انسان در همه طبقات و اقشار است. آیاتی که گواه جهانی بودن قرآن است آن چنان فراگیر و گویاست که نیاز به استدلال ندارد. برای نمونه به چند آیه مربوط به جهانی بودن قرآن اشاره می‌شود:

۱- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲ «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

۲- «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ»^۳ «و حال آنکه [قرآن] جز تذکاری برای جهانیان نیست.»

۱. یوسف، ۱۱۱.

۲. نحل، ۸۹.

۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۳۵۴؛ التحریر و التنویر، ج ۱۲، ص ۱۳۱.

۴. انعام، ۵۹.

۱. انعام، ۳۸.

۲. انبیاء، ۱۰۷.

۳. قلم، ۵۲.

۳- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱ «و ما تو را جز [به سِمَت] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی دانند.»

۴- «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۲ «بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست.»

۵- «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۳ «بزرگ [او خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد.»

از آن چه در برخی توصیف ها آمده استفاده می شود که معیار برای هدایت و تبلیغ، انسانیت است و تعلقات زمانی، مکانی، نژادی و جنسی مانع گسترش دعوت پیامبر ﷺ و فراگیری پیام های قرآنی نیست؛ مانند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَى اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۴ «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ...»^۱ «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مَبْرِد،...»

بنابراین لازمه جهانی بودن دین، جامع بودن آن است چرا که اگر دین و آئینی برای هدایت همه بشریت باشد باید تمام نیازها و خواسته های آنان را در مسیر سعادت دنیوی و اخروی پاسخگو باشد و اگر دارای خلأها و کاستی هایی در این مسیر باشد، نمی تواند داعیه جهانی بودن را داشته باشد بدین جهت است که خداوند متعال در قرآن می فرماید: «مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»

دسته سوم: جاودانگی قرآن

از ادله دیگر جامعیت، جاودانگی قرآن است؛ زیرا همان گونه که آیات «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» و «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» دلیل بر جامعیت قرآن است، آیاتی که دلالت بر جاودانگی قرآن دارد نیز دلیل بر جامعیت آن است؛ زیرا اگر بر اساس جاودانگی و خاتمیت دین دلیلی ارائه گردد که قرآن برای همیشه، راهنما و سند هدایت برای تمام انسانها در تمام زمان ها باشد، پس آنچه که ارتباط به هدایت انسان ها تا قیامت را دارد، باید در این دین موجود باشد و در عین هیچ گاه نباید کهنه و بدون استفاده باشد بلکه روز به روز باید نو و تازه باشد.

۱. سبأ، ۲۸.

۲. اعراف، ۱۵۸.

۳. فرقان، ۱.

۴. حجرات، ۱۳.

نخواهد شد. بر این اساس باید قوانین و دستوراتش نه تنها در همان زمان کامل باشد بلکه باید در تمام زمان‌ها از پاسخگوی نیاز بشریت باشد.

بنابراین بر اساس نص صریح آیات و بحث جاودانگی قرآن و خاتمیت دین اسلام، جامعیت قرآن اثبات می‌شود هر چند که روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که در ادامه بحث به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

اکنون که مسأله جامعیت قرآن اثبات شد ضرورت دارد مفهوم جامعیت و قلمرو قرآن مشخص گردد. در این زمینه بین علما و اندیشمندان اسلامی آراء و اقوال گوناگونی وجود دارد که به طور کلی دو دیدگاه اصلی در این بحث مطرح می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

دیدگاه‌ها درباره جامعیت قرآن و مفهوم آن

۱- گروهی با مقید کردن قلمرو جامعیت قرآن، آن را در امور هدایتی مختص کرده‌اند و اطلاق جامعیت در همه علوم را نپذیرفته‌اند. این دسته از اندیشمندان معتقدند از آن جهت که قرآن بر اساس هدف نزول آن، کتاب هدایت است و کتاب علمی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ... نیست، بر همین اساس ضرورت دارد جامعیت آن در امور هدایتی باشد تا انسانها با تمسک بدان به سعادت برسند. اگر هم قرآن به طور ضمنی متعرض برخی از علوم مثلاً علم نجوم، طبیعیات و ... شده است، جنبه هدایتی آن مدنظر بوده است و گرنه قرآن کتاب نجوم و فیزیک و شیمی نیست که بخواهد تمام مسائل مربوط به آن علوم را بیاورد و همانطور که مشخص است قرآن هرگز متعرض چنین مباحثی نگشته است.^۱ این گروه می‌گویند وقتی که ما به قرآن رجوع می‌نمائیم جزئیات بسیاری از احکام و معارف دین نیز در آن نیامده است حال چگونه ممکن است علم همه علوم و مسائل آن در قرآن باشد؟

آیاتی از قرآن به گونه‌ای ویژه اشاره به جاودانگی قرآن دارد که برای نمونه به دو آیه اشاره می‌شود:

۱- ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۱ «و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سوبش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده.»

از آن جهت که باطلی در قرآن راه ندارد ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ﴾ و چیزی او را نسخ و باطل نخواهد کرد و همه آنچه را گفته مطابق واقع و حق است و برای همیشه دوام دارد نه کم می‌شود و نه زیاد. این چنین تفسیری به جاودانگی قرآن مربوط است، زیرا اگر کتابی، نوشته‌ای و دستور العملی، جامعیت نداشته باشد، قابل دوام نخواهد بود و دگرگون خواهد شد.

۲- ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۲ «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.»

صرف‌نظر از مباحث کلامی که درباره این آیه میان شیعه و اهل سنت مطرح است، این آیه به اتفاق مفسران همه مذاهب اسلامی دلالت می‌کند که دین اسلام کامل شده و همه آنچه می‌بایست گفته شود و احکام و مقرراتی که باید جعل شود، تعیین شده است. در واقع این آیه بیانگر آن است که دین اسلام دین خاتم و کامل‌ترین آنها در میان سایر ادیان است و بعد از اسلام شریعتی و بعد از قرآن کتاب آسمانی‌ای و بعد از پیامبر اسلام رسولی ابلاغ

۱. فصلت، ۴۲-۴۱.

۲. مائده، ۳.

کِتَابِ مُبِينٍ^۱ در آن وجود دارد و هیچ خشک و تری نیست مگر این که در آن قرار گرفته ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ^۲﴾ و هیچ سر نهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر این که در آن آمده است. ﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ^۳﴾

آنگاه بر این اساس می‌گویند همه علوم را می‌توان از باطن قرآن استخراج نمود و مقصود از جامعیت قرآن، جامعیت با توجه به بطون مختلف و لایه‌های درونی آن است. هر چند که رسیدن به ژرفا و باطن آن برای همگان مقدور و میسر نیست، اما راسخان در علم که پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند، به این مراتب باطنی قرآن علم و دسترسی دارند.^۴

در این زمینه روایاتی وجود دارد که در آنها آمده حقیقت قرآن را کسی می‌تواند بفهمد که قرآن برای او نازل شده باشد. «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ^۵» و از جهت شناخت باطن قرآن است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا فِي تَفْسِيرِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ^۶» «اگر بخواهم تفسیر سوره حمد را برای شما بگویم، هفتاد بار شتر می‌شود.» برخی ادله نقلی دیگر نیز این قول را تقویت می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام درباره علم به عجائب و غرائب قرآن می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ... وَ لَوْ أَنَّكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ^۷» «خداوند عزیز جبار کتاب قرآن را بر شما نازل کرد... اگر از آنچه در قرآن است برای شما خبر دهم تعجب می‌کنید.»

بنابراین جامعیت قرآن مطابق با هدف نزول آن در ابعاد هدایتی است. هر انسانی در هر زمان و مکان بخواهد برای هدایت به این کتاب آسمانی تمسک بجوید، قرآن کریم به تمامی ابعاد هدایتی دنیوی و اخروی او توجه کرده است و به تمام نیازهای او را در این زمینه پاسخگو خواهد بود.

۲- عده ای دیگر به نص و ظاهر آیات و برخی روایات متمسک شده و اطلاق آیات جامعیت را پذیرفته‌اند و معتقدند که علم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد و قرآن را جامع تمام احکام و معارف و علوم می‌دانند.^۱ ابن مسعود صحابی پیامبر ﷺ در این باره می‌گوید: «الْتَمِسُوا غَرَائِبَ الْقُرْآنِ، فَفِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ^۲» «غرائب قرآن را بجوید، در آن علم اولین و آخرین موجود می‌باشد.»

برخی از مفسران بر اساس اخبار و روایات،^۳ قرآن را به ظاهر و باطن تقسیم می‌کنند و باطن قرآن را به لوح محفوظ،^۴ کتاب مکنون^۵ و کتاب مبین^۶ انطباق می‌دهند و آن را اصل و حقیقت این قرآن به حساب می‌آورند.^۷ قرآن کریم نسخه‌ای از لوح محفوظ و کتاب مبین و امام مبین است که طبق نص صریح قرآن همه چیز در آن احصا شده ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ^۸﴾ و همه چیز حتی چیزی که به سنگینی ذره یا کوچک‌تر از آن باشد، ﴿لَا يَغُزُّ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي

۱. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۰۸؛ الإِتقان، ج ۲، ص ۳۳۰؛ جواهر التفسیر، ص ۱۶۶.

۲. إحياء علوم الدين، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۳. «مَا مِنْ أَلْفِ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ قَالَ ظَهْرُهُ [تَنْزِيلُهُ] وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ» وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۹۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۹۷.

۴. بروج، ۲۱ و ۲۲.

۵. واقعه، ۷۹.

۶. انعام، ۵۹.

۷. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۶۵؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۴، ص ۳۸۶.

۸. یس، ۱۲.

۱. سبأ، ۳.

۲. انعام، ۵۹.

۳. نحل، ۷۵.

۴. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۶، صص ۴۵۳-۴۴۹.

۵. وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۸۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۹۳.

۷. الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸.

چکیده

۱- آیات مورد استناد در جامعیت قرآن عبارت است از: یوسف، ۱۱۱؛ انعام، ۳۸ و ۵۹ و ۱۱۴؛ نحل، ۸۹.

۲- با استفاده از بحث جامعیت و جاودانگی قرآن، جامعیت آن اثبات می شود.

۳- عده ای قرآن را جامع تمام احکام و معارف و علوم می دانند که مقصود از جامعیت قرآن را به باطن آن ارتباط می دهند. این گروه به نص و ظاهر برخی آیات و روایات متمسک شده اند و اطلاق آیات جامعیت را پذیرفته اند و معتقدند که اولین و آخرین علوم در قرآن وجود دارد و آنگاه می گویند همه علوم را می توان از باطن قرآن استخراج نمود.

۴- گروهی با مقید کردن جامعیت، آن را در امور هدایتی مختص کرده و اطلاق جامعیت در همه علوم را نپذیرفته اند.

۵- از آن جهت که آیات جامعیت مطلق است و خداوند متعال هیچ نوع قیدی- مثل هدایت - را درباره جامعیت قرآن نزده است، به راحتی نمی توان از ظاهر و نص قرآن دست کشید و آن را از یک جنبه خاص تفسیر کرد.

پرسش و پاسخ

۱- آیات مربوط به جامعیت قرآن را ذکر نمایید.

۲- دلالت آیات ۳۸ و ۵۹ و ۱۱۴ سوره انعام را بر جامعیت قرآن بیان کنید.

۳- روایاتی را که بر جامعیت مطلق قرآن کریم دلالت دارد را شرح دهید.

۴- مقصود از جامعیت قرآن در بعد هدایتی آن چیست؟

امام باقر علیه السلام نیز درباره جامعیت حقائق و معارف و علوم قرآن که علم آن در نزد اهل بیت علیهم السلام است می فرماید: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»^۱ «وقتی درباره چیزی سخن گفتم از من بخواهید که از قرآن پاسخ دهم».

علامه طباطبایی ذیل روایتی که در آن حضرت علی علیه السلام علم خود را به برخورداری از نعمت فهم کتاب الهی مستند نموده است می گوید: آنچه از معارف عجیب و شگفت انگیزی که از علم آن حضرت صادر می شود و عقل ها را متحیر و مدهوش می سازد، همه مأخوذ از قرآن است.^۲

با جمع بین این دو دیدگاه می توان گفت: از آن جهت که خداوند متعال فرموده قرآن تبیان و تفصیل کل شیء است و هیچ امری را در آن فروگذار نشده است، مقصود باطن قرآن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام بدان علم و آگاهی دارند و بیان جامع قرآن بر عهده آنان می باشد، هر چند که شناخت و دریافت آن از فهم متعارف عموم بشر، خارج و فراتر است. اما جنبه ظاهری و دلالت لفظی قرآن جامعیت دارد و کامل است و جامعیت و کمال آن به امور هدایتی دنیوی و اخروی آن مرتبط است و همه انسان ها با تدبیر و تفکر و تعمق در قرآن می توانند بدان دست یابند. ما هرگز از ظواهر آیات و سور نباید انتظار طرح جزئیات علوم را داشته باشیم هر چند که کلیات برخی از علوم مثل علوم انسانی و علوم طبیعی از آن قابل برداشت و استنباط است.

۱. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۳۱؛ تنزیه الأنبیاء (ع)، ص ۱۵۲.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۷۱.

در این فصل به روش‌های مختلف تفسیر قرآن پرداخته می‌شود.

این روش‌ها شامل تفسیر لغوی، تاریخی، فقهی، اخلاقی و...

در ادامه به بررسی هر یک از این روش‌ها خواهیم پرداخت.

تفسیر لغوی به بررسی معنی کلمات و عبارات قرآنی می‌پردازد.

تفسیر تاریخی به بررسی شرایط و احوال تاریخی قرآن می‌پردازد.

تفسیر فقهی به بررسی احکام و قوانین قرآنی می‌پردازد.

تفسیر اخلاقی به بررسی ارزش‌ها و اصول اخلاقی قرآن می‌پردازد.

تفسیر علمی به بررسی مفاهیم علمی قرآن می‌پردازد.

تفسیر ادبی به بررسی زیبایی‌های ادبی قرآن می‌پردازد.

تفسیر روانشناختی به بررسی مفاهیم روانشناختی قرآن می‌پردازد.

تفسیر اجتماعی به بررسی مفاهیم اجتماعی قرآن می‌پردازد.

تفسیر سیاسی به بررسی مفاهیم سیاسی قرآن می‌پردازد.

درس هشتم:

جمع قرآن «۱»

اهداف آموزشی درس

➤ آشنایی با مفهوم جمع در لغت و اصطلاح

➤ معرفی نوشت افزارهای وحی

➤ بررسی دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن

➤ بیان ویژگی‌های مصحف حضرت علی علیه السلام

➤ بررسی دلائل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

از جمله مهم‌ترین مباحث علوم قرآن، تاریخ نگارش و جمع آوری قرآن در صدر اسلام است. کیفیت و نحوه جمع‌آوری قرآن با توجه به کمبود نوشت افزار و افراد باسواد در زمان حضرت، این اشکال را در ذهن برخی افراد به وجود آورده که ممکن است برخی از آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شده است به نگارش و تألیف در نیامده باشد؛ به خصوص اینکه در این زمینه دیدگاه غالبی در بین اهل سنت و برخی قرآن‌پژوهان متأخر شیعه وجود دارد که معتقدند قرآن بعد از وفات پیامبر ﷺ توسط صحابی آن حضرت گردآوری شده است. پذیرش این دیدگاه در میان برخی از مستشرقان، شبهه تحریف به نقیصه در قرآن را به وجود آورد. بنابراین ضرورت دارد به کنکاش و بررسی دقیق این موضوع بپردازیم که نگارش قرآن به چه شکلی بوده است؟ و به این سؤال مهم پاسخ دهیم که آیا پیامبر ﷺ در زمان خود قرآن را جمع نموده و یا اینکه این امر مهم را بعد از وفات خویش بر عهده دیگران نهاده است؟ قبل از پرداختن به این سؤال اصلی، به طور مختصر به مقدمات این بحث می‌پردازیم تا زمینه ورود به اصل بحث فراهم شود.

۱- مفهوم شناسی جمع

الف) مفهوم لغوی جمع

جمع بر ضمیمه چیزی بر چیزی دیگر، انضمام چیزی به چیز دیگر دلالت می‌کند^۱ و به معنی گردآوری کردن می‌باشد.^۲

ب) مفهوم اصطلاحی جمع قرآن

درباره مفهوم جمع قرآن چند قول مطرح گردیده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

- جمع به معنی حفظ در ذهن

با توجه به اینکه در آغاز رسالت پیامبر ﷺ ابزار نوشتاری و نویسندگان بسیار محدود بودند، پیامبر ﷺ مسلمین را تشویق می‌کردند تا قرآن را در سینه‌ها و ذهن‌های خود حفظ کنند که این افراد به «حفاظ» و «قراء» قرآن معروف گشتند.^۳

- جمع به معنی گردآوری و تألیف

از کاربرد دیگر واژه جمع، گردآوری آیات و سوره‌ها و نوشتن و تألیف آنها به دور از پراکندگی و گسستگی می‌باشد.^۴ در زمان پیامبر ﷺ عده‌ای تحت عنوان کتاب وحی بودند که قرآن را می‌نوشتند. حضرت علی علیه السلام، ابی‌ابن کعب، عبد الله بن مسعود و زید بن ثابت از

جمله کاتبان معروف وحی بودند.^۱ گرچه گروهی کتابت قرآن را برای پیامبر ﷺ بر عهده داشتند اما عده‌ای بودند که به نوشتن آیات و سوره‌ها نیز اقدام می‌کردند که به عنوان جماع قرآن نام داشتند.

کتابت قرآن معمولاً به این نحو بوده است که بعد از نازل شدن آیات قرآن پیامبر ﷺ به نویسندگان وحی دستور می‌داده است که آن آیه یا آیات را در لابه لای سوره‌ای که قبلاً نازل شده و پایان یافته بود، قرار دهند.^۲ بر این اساس می‌توان گفت ترتیب همه آیات توقیفی و به دستور پیامبر ﷺ بوده است و صحابه در این زمینه هیچ دخل و تصرفی نداشته‌اند. توقیفی بودن آیات علاوه بر آنکه اجماعی است، نصوص و روایات نیز آن را تایید می‌کند.^۳

۲- نوشت افزار وحی

ابزار نویسندگی در عصر نزول قرآن بسیار ساده و ابتدایی بود. مسلمان‌ها از هر وسیله‌ای که برای کتابت در آن ممکن بود استفاده می‌کردند. در برخی از کتب تاریخی و روایی به این ابزار اشاره شده است:

۱- عُسْب: (جمع عسیب) چوب خرما که برگ‌هایش را می‌کنند و در قسمت پهن آن می‌نوشتند.

۲- لِحَاف (جمع لَحْفَه): سنگ‌های کوچک و صفحه‌های نازک سنگ.

۳- اَدِیم (جمع اَدَم): تکه‌های پوست دباغی شده حیوانات.

۴- رِقَاع (جمع رَقْعَة): برگ‌های کاغذ، درخت یا پوست نازک.

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۵۶؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲. لغتنامه دهخدا، ج ۱۷، ص ۱۰۳؛ فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۱۷؛ اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۷؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۰؛ مباحث فی علوم القرآن (مناع القطان)، ج ۱، ص ۱۲۲. برخی مفسرین در تفسیر آیه (إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ) همین معنی را بیان نموده‌اند. تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس، ص ۴۹۳؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۴، ص ۳۷۱؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۱۰، ص ۳۳۸۷.

۴. شعب الإیمان، ج ۱، ص ۱۹۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۳۸-۲۳۷.

۱. مجمل التواریخ والقصص، ص ۲۶۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۴۰۰؛ المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۴۸۷؛ لاتقان، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۲۱؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۲۸۷؛ جواهر التفسیر، ص ۲۳۵.

۳. تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۶۶.

۳- دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن

اینکه نخستین زمانی که قرآن جمع شد و این موضوع توسط چه کسی و یا چه کسانی انجام گرفت در بین دانشمندان علوم قرآن چند قول مطرح است:

الف- جمع در زمان پیامبر ﷺ

برخی معتقدند اولین جمع قرآن در زمان پیامبر و با اشراف ایشان صورت پذیرفته است. قائلان این قول دلیل‌هایی را در این زمینه از قبیل دلیل قرآنی، روایی، عقلی و تاریخی اقامه کرده‌اند.^۱

ب- جمع توسط حضرت علی علیه السلام

دیدگاه دیگری وجود دارد که اولین جمع قرآن را به امام علی علیه السلام نسبت می‌دهد. در این باره روایاتی وجود دارد که به صراحت بیان می‌کند حضرت علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر و به دستور ایشان اقدام به این عمل نمودند^۲ و پس از اتمام جمع قرآن، آن را بار شتری نمودند و به مردم عرضه نمودند، اما جامعه اسلامی به دلایلی آن را نپذیرفت و حضرت نیز قسم خوردند که دیگر مردم آن را نخواهند دید.^۳ در منابع شیعی نقل شده است که این قرآن دست به دست در نزد امامان معصوم علیهم السلام جزء ودائع امامت وجود داشته است و هم اکنون نیز آن قرآن نزد امام زمان (عج) محفوظ است.^۴

۵- اکتاف (جمع کتف): استخوان شتر یا گوسفند.

۶- اقتاب (جمع قتب): تخته چوبی که بر پشت شتر می‌گذاشتند که بر آن بنشینند.

۷- حریر: پارچه ابریشمی که گاهی قرآن را بر آن می‌نوشتند.

۸- قراطیس (جمع قرطاس): به معنی کاغذ^۱

همچنین در قرآن نیز نام نوشت افزارهای زیر آمده است:

۱- قرطاس ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ...﴾^۲ «و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو

نازل می‌کردیم...»

۲- قلم ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾^۳ «همان کس که به وسیله قلم آموخت.»

۳- مداد ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾^۴ «بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات

پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد، هر چند نظیرش را به مدد (آن) بیاوریم.»

۴- صحف ﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾^۵ «و آن گاه که نامه‌ها از هم بگشایند.» ﴿فِي صُحُفٍ

مُكْرَمَةٍ﴾^۶ «در صحیفه‌هایی ارجمند.»

۶- رق ﴿فِي رَقٍّ مَنُشُورٍ﴾^۱ «در طوماری گسترده.»

۱. طور، ۳.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۵۷-۲۳۸.

۳. الامالی للصدوق، ص ۳۲۰؛ المصاحف لابن ابی داود، ج ۱، ص ۳۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۴؛ ﴿إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ الْقُرْآنُ خَلْفُ فِرَاشِي فِي الْمَصْحَفِ وَالْخَبِيرُ وَالْقِرَاطِيسُ فَخَنُوهُ وَاجْمَعُوهُ وَلَا تُضَيِّعُوهُ كَمَا ضَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَةَ فَأَنْطَلَقَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فِي تَوْبِ أَصْفَرٍ ثُمَّ خَتَمَ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَقَالَ لَا أُرْتَدِي حَتَّى أَجْمَعَهُ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَأْتِيَهُ فَيَخْرِجُ إِلَيْهِ بَغِيرَ رِدَاءٍ حَتَّى جَمَعَهُ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَعُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ»

۴. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۵. الکافی ج ۲، ص ۶۳۳.

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۰؛ الإتيان، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. انعام، ۷.

۳. علق، ۴ و همچنین بنگرید: لقمان، ۲۷؛ قلم، ۱؛ آل عمران، ۴۴.

۴. کهف، ۱۰۹.

۵. تکویر، ۱۰.

۶. عبس، ۱۳.

ویژگیهای مصحف حضرت علی علیه السلام

مصحفی را که حضرت علی علیه السلام گرد آوری کرده بودند، دارای ویژگیهای خاصی بود که در مصاحف دیگر وجود نداشت:

الف: ترتیب دقیق آیات و سوره، طبق نزول آنها، مکی پیش از مدنی قرار داشت و کاملاً مراحل و سیر تاریخی نزول آیات در آن روشن بود.

ب: در آن مصحف قرائت آیات، دقیقاً بر اساس قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اصیلترین قرائت بود، ثبت شده بود و هرگز برای اختلاف قرائات راهی در آن وجود نداشت.

ج: قرآن حضرت مشتمل تنزیل و تأویل و تفسیر و شأن نزول بود. حضرت علی علیه السلام خود در این باره می‌فرمایند: «و لقد جئتهم بالكتاب مشتملا على التنزيل و التأویل»^۱ «برای آنها کتابی که مشتمل بر تنزیل و تأویل بود آوردم.»

ج- جمع توسط ابوبکر

عده‌ای نیز اولین جمع را به ابوبکر نسبت می‌دهند. این دیدگاه نظر اکثریت دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت می‌باشد.^۲

آنان می‌گویند برخی از روایات وجود دارد که صراحتاً بیان می‌کند قرآن در زمان پیامبر جمع نشده بلکه بعد از وفات حضرت اولین بار، توسط ابوبکر این کار صورت پذیرفته است.^۳

در جمع‌بندی دیدگاه‌ها درباره اولین جمع می‌توان گفت: بدون شک جمع اول قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و با نظارت ایشان صورت پذیرفت که در ادامه به ادله آن به اختصار اشاره

خواهیم نمود. حضرت علی علیه السلام نیز اولین کسی بود که بر طبق تنزیل قرآن را جمع کرد و آن را تفسیر و تأویل نمود.^۱ در خصوص جمع ابوبکر به نظر می‌رسد این یک امر شخصی برای خلیفه بوده است. از آن روی که داشتن مصحف برای صحابه یک امتیاز مهم شمرده می‌شد و تعدادی از صحابه دارای مصحف بودند و ابوبکر که به عنوان خلیفه مسلمین فاقد این مهم بود، تصمیم به جمع قرآن گرفت و آن را در نزد خود تا هنگام وفاتش نگه داشت.

۳- دلایل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

در منابع اسلامی شواهد و قرائنی وجود دارد که با دقت و تأمل در آنها این مسئله بر ما ثابت می‌شود که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به طور کامل جمع‌آوری شده است که در این قسمت به مهم‌ترین ادله جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته می‌شود.

الف) دلایل قرآنی

۱- آیات تحدی

خداوند متعال در آیات تحدی به منکران قرآن می‌گوید: شما که ادعا دارید قرآن کلام خدا و سخنی الهی نیست بلکه قول پیامبر و صرفاً امری بشری می‌باشد، اگر راست می‌گویید ده سوره^۲ یا یک سوره^۳ و یا همانند این قرآن^۴ را بیاورید.

استدلال:

هنگامی که خداوند از بشر می‌خواهد همانند قرآن را بیاورند، مسلماً باید قرآنی مکتوب و مدون با سوره و آیاتش وجود داشته باشد و در بین مردم، حتی کفار و مشرکان منتشر شده

۱. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۸۸؛ بضائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۲. هود، ۱۳.

۳. یونس ۳۸؛ بقره، ۲۳-۲۴.

۴. طور، ۳۴-۳۳.

۱. برای اطلاع بیشتر در زمینه نظم و ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام رجوع کنید به: تاریخ یعقوبی؛ ج ۲، ص ۱۳۵.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۳؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۷۲.

۳. فضایل القرآن، ابی عبید القاسم الهروی، ص ۲۸۳.

استدلال:

بر اساس این آیات و آیات مشابه حتماً باید مجموعه‌ای منسجم و مکتوبی تحت عنوان کتاب قرآن در زمان پیامبر گردآوری شده باشد تا اینکه خداوند بگوید در این کتاب تدبیر کنید یا اینکه حق تلاوت آن را به جا آورید.

(ب) دلایل روایی

۱- روایات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ

در روایات بیان شده است که قرآن در زمان پیامبر ﷺ توسط شش نفر جمع شده است.^۱ از شعبی نقل گردیده است که ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل و ابوالدرداء سعد بن عبید و ابو زید، جماع قرآن بوده اند.^۲

علاوه بر اینکه صحابه قرآن را جمع می‌کردند، چندین مرتبه آن را بر پیامبر می‌خواندند که در این خصوص از امام علی علیه السلام و عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و ابی بن کعب نام برده شده است.^۳ زید بن ثابت آخرین عرضه قرآن را شاهد بود و قرآن را نوشت و بر پیامبر اکرم عرضه داشت. از وی نقل شده است که «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ»^۴ «ما نزد رسول خدا بودیم، قرآن را از روی برگ و پوست، فراهم و مرتب می‌ساختیم». حاکم می‌گوید: در این نقل دلیل روشنی است بر آن که قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ تدوین شده است.^۵ معنای تألیف در این روایت طبق تفسیر و توضیح برخی از دانشمندان، ترتیب

باشد تا خداوند بخواهد بدان تحدی کند. اما اگر روایت زید بن ثابت را بپذیریم که می‌گوید: قرآن در زمان پیامبر در سینه‌ها و چوب‌ها و اوراق و سنگ‌ها، پراکنده بوده و ما در زمان ابوبکر آن را جمع کردیم،^۱ تحدی به چنین قرآن پراکنده‌ای از سوی خداوند متعال چگونه امکان خواهد داشت؟ بنابراین آیات تحدی بر کامل بودن سور قرآن و تمایز آنها از یکدیگر دلالت دارد.^۲

۲- اطلاق لفظ کتاب بر قرآن

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که لفظ کتاب بر قرآن اطلاق شده است. همانند:

«كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^۳ «کتابی است که آیات آن، به روشنی

بیان شده قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند».

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»^۴ «کسانی که کتاب (آسمانی) به آنان داده‌ایم،

(و) آن را چنان که باید می‌خوانند»

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»^۵ «(این) کتابی مبارک است که آن را به

سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند»

۱. قال زید ابن ثابت: فتبعت القرآن أجمعه من الرقاع و العسب و اللخاف و صدور الرجال حتى وجدت آخر سورة التوبة مع خزيمه أو مع أبي خزيمه الأنصاري، فلم أجدها مع أحد غيره... لباب التأويل في معاني التنزيل، ج ۱، ص ۷؛ البرهان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. تفسير الحديث، ج ۱، ص ۱۰۶؛ تاريخ قرآن، راميار، ص ۲۸۲؛ البيان في تفسير القرآن، ص ۲۵۱.

۳. فصلت، ۳.

۴. بقره، ۱۲۱.

۵. ص، ۲۹.

۱. رجال الشيخ الطوسي، ج ۳۰، ص ۱۱۵؛ رجال ابن داود، ص ۷۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۹.

۲. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سير اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۱؛ أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۲۷؛ البرهان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. زبدة التفاسير، ج ۱، ص ۱۰.

۴. الإتيان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۴۷.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۹؛ الإتيان، ج ۱، ص ۱۶۰.

آیات و سور قرآن بوده است که طبق دستور پیامبر ﷺ صورت می‌پذیرفت و قابل تغییر نبوده است.^۱

بعضی از احادیث وارده دلالت بر وجود قرآن کریم مکتوب و منسجم در زمان پیامبر اکرم ﷺ دارد. کافی از حضرت باقر علیه السلام به سند خود روایت کرده که فرمودند: پیغمبر اکرم ﷺ فرموده خداوند سوره‌های طوال را به جای تورا و سوره‌های مئین را به جای انجیل و سوره‌های مثانی را به جای زبور به من عطا نموده و مرا از سایر پیغمبران به سوره‌های مفصلی که عطا فرموده برتری داده است^۲ و این موضوع نشان دهنده توقیفی بودن ترتیب سور و آیات از جانب پیامبر می‌باشد.^۳

۲- حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که جزء احادیث متواتر است و از طریق فریقین نقل گردیده،^۴ به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر جمع شده است. اگر بگوئیم قرآن در زمان پیامبر در سینه‌ها و چوب‌ها و اوراق و سنگ‌ها، پراکنده بود و در مجموعه‌ای گردآوری نشده بود، دیگر معنی نداشت که حضرت بفرمایند من ۲ چیز گرانبها - قرآن و اهل بیت علیهم السلام - را در میان شما باقی گذاشته‌ام و برای هدایت به آنها متمسک شوید.^۵ بنابراین ضرورت دارد قرآن مکتوب و جمع شده‌ای در آن زمان وجود داشته باشد تا پیامبر ﷺ مردم را برای هدایت، به آن بخواند.

۱. تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۶۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۵؛ قرآن هرگز تحریف نشده، صص ۴۷-۴۹.

۴. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضِ»، امالی للصدوق، ص ۴۰۵؛ الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۱؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷.

۵. ر.ک: قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۴۹؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۱.

۳- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ

بنا به تصریح روایات، پیامبر در لحظات آخر عمر مبارک خویش حضرت علی علیه السلام را نزد خود فرا خواند و قرآنی را که در کنار بستر خویش بود به امام علی علیه السلام دادند و حضرت آن را در پارچه زردی پیچیده و به همراه خود بردند.^۱

۴- روایت ختم قرآن

در کتب حدیثی روایاتی از پیامبر ﷺ در باب فضیلت قرائت قرآن از مصحف و ختم آن وارد شده است.^۲

۵- روایات عرضه قرآن

هر سال جبرئیل آن مقدار از آیاتی را که بر پیامبر ﷺ نازل می‌کرد را با حضرت مقابله می‌نمود و در سال آخر عمر پیامبر ﷺ دو بار کل قرآن را به جبرئیل عرضه داشتند. معروف است که ابن مسعود در آخرین عرضه قرآن، حاضر بود آنچه را نسخ شده بود و یا تبدیل یافته بود می‌دانست.^۳

این روایات دلیل است که قرآن در حضور خود پیامبر ﷺ نوشته شده و خود به آن توجه فرموده و مطابق آنچه به او رسیده همگی به کتابت و ضبط در آمده است.

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۹۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳-۶۱۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳۰۴.

۳. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۷؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، صص ۵۹-۵۷؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۷.

ج) دلیل عقلی

۱- حکمت بالغه

قرآن حجت خدا بر مردم و مقوم احکام و فرائض و منبع اصلی شریعت می باشد که قیام و استمرار دعوت دین به آن است. حال اگر پیامبر ﷺ قرآن را پراکنده می گذاشت و جمع نمی کرد و حدود آن را مشخص نمی نمود و تعداد آیاتش را بیان نمی داشت و اعرابش را مشخص نمی کرد و نصوص و سور آن را محدود نمی نمود، غرض از نزول قرآن تقویت نمی شد و این موضوع خلاف حکمت بود.^۱ هر کس پیامبر را بشناسد و ختم نبوت را بپذیرد و به اخلاص حضرتش به خدا، قرآن و مردم آشنا باشد و همت بلند و عاقبت اندیشی و احتیاط در کارها و نظر حکیمانه اش را بداند، محال می داند که قرآن را که حاصل و نتیجه دعوتش می باشد، پراکنده و نامنظم رها کند. این کار از عزم راسخ و حکمت عمیق پیامبر دور است.

۲- عدم جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ مستلزم تحریف است

اگر قائل به این موضوع شویم که قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع و تدوین نگشته باشد و بعد از وفات آن حضرت توسط صحابی به صورت پراکنده از سنگ و استخوان و کاغذ و ... به شهادت دو نفر از صحابه جمع آوری شده باشد، این موضوع مستمسکی برای مدعیان تحریف قرآن قرار می گیرد.^۲

برای اینکه بطور قطع بگوییم که این قرآن همان قرآنی است که از جانب خدا نازل شده است یا باید به دست معصوم جمع شده باشد و یا اینکه همه الفاظ آن متواتراً نقل شده

باشد. اگر گزارشی مبنی بر جمع توسط معصوم در دست نباشد پس باید قرآن متواتر باشد. اما اگر نحوه جمع در زمان ابوبکر توسط زید با شهادت دو شاهد را بپذیریم، لازمه اش آن است که قرآن به طور متواتر جمع نشده باشد، بنابراین قرآن ظنی السند خواهد بود و چیزی که سندش ظنی باشد احتمال می رود دستهای دشمنان در جمع آن راه پیدا کند. در نتیجه یا به وقوع تحریف در قرآن اطمینان پیدا می کنیم یا حداقل احتمال می دهیم که تحریف در این کتاب راه یافته باشد.^۱

با تکیه بر شواهد تاریخی و دلایل عقلی و روایی و در درجه نخست گواهی خود قرآن ثابت می شود که از همان سال های اقامت در مکه و مدتها پیش از هجرت، قرآن نوشته شده و جمع می شده و به دور از پراکندگی دست به دست می گشته است.

۱. التفسير الحديث، ج ۱، ص ۸۶؛ سعد السعود للنفوس منضود، ص ۱۹۴-۱۹۲.

۲. البيان في تفسير القرآن، صص ۲۵۷-۲۵۵.

چکیده

- ۱- مفهوم اصطلاحی جمع قرآن به معنی حفظ در ذهن، گرد آوری و تألیف می باشد.
- ۲- نوشت افزارهای موجود در زمان نزول وحی عبارت است از: عُسْب، لِخَاف، أَدِيم، رِقَاع، أَكْتاف، اقْتاب، حریر، قرطاس، قلم، مداد، صحف، سجل، رَق.
- ۳- دیدگاه‌های مطرح شده درباره اولین جمع قرآن عبارتند از: جمع در زمان پیامبر ﷺ، جمع توسط حضرت علی (ع)، جمع توسط ابوبکر.
- ۵- اولین جمع قرآن در زمان پیامبر و با اشراف ایشان صورت پذیرفته است.
- ۶- اکثریت دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت اولین جمع را به ابوبکر نسبت می‌دهند.
- ۷- هنگامی که خداوند بشر را دعوت به تحدی می‌کند، مسلماً باید قرآنی مکتوب و مدون با سور و آیاتش وجود داشته باشد تا خداوند بخواهد بدان تحدی کند.
- ۸- قرآن در زمان پیامبر ﷺ توسط شش نفر جمع شده است. از جمله علی (ع)، عثمان، ابن مسعود، عبد الله بن عمرو بن العاص و سالم مولى ابي حذیفه.
- ۹- حدیث ثقلین به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر جمع شده است.
- ۱۰- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ، روایات ختم قرآن، تألیف قرآن نزد رسول اکرم ﷺ، روایات عرضه قرآن، مشخص می‌کنند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ گردآوری شده بود.
- ۱۱- اگر پیامبر ﷺ قرآن را پراکنده می‌گذاشت و جمع نمی‌کرد و حدود آن را مشخص نمی‌نمود، غرض از نزول قرآن تقویت نمی‌شد و این موضوع خلاف حکمت بود.
- ۱۲- اهتمام پیامبر و مسلمین در محافظت از قرآن جمع قرآن را در زمان پیامبر اثبات می‌کند.

پرسش و پاسخ

- ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی جمع را توضیح دهید.
- ۲- نوشت افزارهای ذکر شده در قرآن را نام ببرید.
- ۳- دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن را مطرح کنید.
- ۴- ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) را ذکر نمایید.
- ۵- آیاتی را که جمع قرآن در زمان پیامبر را اثبات می‌کند، شرح دهید.
- ۶- احادیثی که بر وجود قرآن مکتوب در زمان پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارد، را بیان کنید.
- ۷- دلالت روایات عرضه بر جمع قرآن را توضیح دهید.
- ۸- آیا عدم جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ به تحریف قرآن می‌انجامد؟ چگونه؟